

سنجش سطح برخورداری عشایر استان‌های ایران با استفاده از فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای

دکتر احمد تقدیسی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

نصرت مرادی*، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

عیسی بهاری، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

چکیده

امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف و نابرابری‌های موجود بین نواحی، نوعی ضرورت جهت ارایه طرح‌ها و برنامه‌ها به منظور برطرف نمودن نواقص به شمار می‌رود. جهت نیل به این مهم و شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر، استفاده از مدل‌ها و تکنیک‌های مختلف نقش مهم و اساسی دارد. رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی-تحلیلی، علی و از نوع کاربردی-توسعه‌ای است که با هدف تحلیل فضایی و سطح‌بندی عشایر استان‌های مختلف کشور در زمینه برخورداری از شاخص‌های مختلف جمعیتی، اقتصادی و خدماتی صورت گرفته است. اطلاعات مربوط به شاخص‌های مورد بررسی برای دوره‌های ییلاق و قشلاق، از گزیده نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کل کشور سال ۱۳۸۷ و مستندات مرکز آمار کشور جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و سطح‌بندی جوامع عشایری استان‌ها با استفاده از فنون تحلیل‌های عاملی و خوشه‌ای و ترسیم نقشه‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توزیع امکانات و خدمات و سطح برخورداری بین عشایر استان‌های کشور، ناهمگون و نامتعادل است و اختلاف فاحشی بین عشایر کشور در زمینه برخورداری دیده می‌شود. در دوره ییلاقی استان گلستان با ۱/۳۳ امتیاز به عنوان برخوردارترین و خوزستان با امتیاز ۰/۷۲- به عنوان محروم‌ترین استان عشایر ییلاقی کشور شناخته شدند. نتیجه‌ی به کارگیری تکنیک تحلیل عاملی، استان‌ها را در ۵ سطح بسیار برخوردار، برخوردار، نسبتاً برخوردار، محروم و بسیار محروم قرار داد که در زیست‌بوم ییلاق حدود ۴۰ درصد از استان‌ها (۱۱ استان) در سطح محروم و بسیار محروم، ۳۶ درصد (۱۰ استان) در سطح برخوردار و بسیار برخوردار و ۲۲ درصد (۶ استان) نیز در سطح نسبتاً برخوردار جای گرفتند. در دوره ییلاقی استان زنجان با ۰/۷۷۷ امتیاز به عنوان برخوردارترین و

خوزستان با امتیاز ۰/۹۲۷- به عنوان محروم‌ترین استان عشایر قشلاقی کشور شناخته شدند. براساس نتایج سطح‌بندی تحلیل عاملی در زیست‌بوم قشلاقی، حدود ۴۵ درصد استان‌ها (۱۳ استان) در سطح برخورداری و بسیار برخورداری، ۱۰ درصد استان‌ها (۳ استان) در سطح نسبتاً برخورداری و حدود ۴۵ درصد استان‌ها (۱۳ استان) نیز در سطح محروم و بسیار محروم قرار گرفتند. نتایج سطح‌بندی تحلیل خوشه‌ای و ترسیم نمودار دندروگرام نیز عشایر استان‌های کشور را در ۵ گروه همگن طبقه‌بندی نمود که مقایسه نتایج دو تکنیک، نابرابری و عدم تعادل فضایی عشایر استان‌های کشور در هر دو زیست‌بوم قشلاق و ییلاق را کاملاً تأیید می‌کند. در پایان جهت رسیدن به تعادل فضایی عشایر کشور راهکارهای مکانی- زمانی بر اساس نظم و سلسله مراتب فضایی پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی

سطوح برخورداری، توزیع فضایی، عشایر ایران، فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

در افکار صاحب نظران توسعه، تعبیر مختلفی از واژه‌ی توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات، بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی-اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۳). بنابراین توسعه جریانی چند بعدی و پیچیده است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲۷) و روندی است فراگیر در جهت افزایش توانائی‌های انسانی-اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی-اجتماعی، ضمن آن که نیازها پیوسته در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های پایداری جهان پالایش می‌یابند (زیاری، ۱۳۸۸: ۹). با توجه به این‌که توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۵۲) و مهم‌ترین هدف آن حذف نابرابری‌ها می‌باشد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۴: ۵)، عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (آهنگری و سعادت مهر، ۱۳۸۶، ۱۵۹).

اگر چه کاهش تدریجی نابرابری منطقه‌ای یکی از سیاست‌های برنامه‌های عمرانی کشور بوده ولی واقعیات موجود گویای توسعه اقتصادی-اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی است. آمایش سرزمین و توسعه کشور نیازمند توجه ویژه به تمامی عرصه‌ها و زیستگاه‌های شهری، روستایی و عشایری می‌باشد. در این میان، جامعه‌ی عشایر به خاطر محرومیت و شرایط سخت زندگی جایگاه مهمی را دارد و به همین دلیل، سامان‌دهی جامعه‌ی عشایر همواره مورد توجه بوده است. مسئله‌ی عشایر کوچنده کشور مسئله‌ی کوچ و یا اسکان آنان نیست، بلکه مسئله‌ی عدم تقسیم عادلانه ثروت در این سرزمین است (بخشنده نصرت، ۱۳۸۰: ۱۰). به منظور دستیابی به این مهم و حل مسایل ناشی از عدم تعادل‌های موجود میان عشایر کشور، نخستین گام شناخت و سطح‌بندی آن‌ها به لحاظ برخورداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، آموزشی و ... می‌باشد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر مشخص نمودن وضعیت عشایر استان‌های مختلف کشور و سطح‌بندی آن‌ها به لحاظ برخورداری از شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و خدماتی است. بدین ترتیب پرسش‌های اصلی تحقیق را می‌توان چنین مطرح کرد:

- وضعیت توزیع فضایی امکانات و خدمات میان عشایر استان‌های ایران چگونه است؟
- آیا به لحاظ سطح برخورداری، میان عشایر استان‌های مختلف ایران تفاوت فاحشی وجود دارد و کدام استان‌ها دارای موقعیت مناسب و کدام محروم می‌باشند؟
- آیا بین میزان جمعیت عشایر استان‌ها در بیلاق و قشلاق با سطح برخورداری و رتبه‌ی استان‌ها رابطه وجود دارد؟
- چه راهکارها و راه‌حلهایی جهت برطرف نمودن کمبودهای عشایر محروم می‌توان ارائه نمود؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت مسأله

جامعه‌ی عشایری کشور واقعیتی اجتماعی و بخشی از ساختار تاریخی-فرهنگی است؛ و در پیکره‌ی جامعه‌ی ملی، عضوی پرکار به شمار می‌رود، به گونه‌ای که هر چند نسبت جمعیت عشایر کمتر از شهرها و

روستاهاست اما تأثیر اقتصادی و اجتماعی (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۲) و نقش آنان از نظر آفند و پدافند ملی در نواحی مرزی حساس کشور انکارناپذیر است (بخشنده نصرت، ۱۳۸۰: ۹). طبق آمار رسمی، عشایر کشور سالانه ۱۸۰ هزار تن گوشت قرمز تولید می‌نمایند که ۲۰ درصد میزان کل تولید گوشت قرمز کشور را شامل می‌شود (ورمزیاری و حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). این در حالی است که گروه مذکور، تنها در حدود ۲ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (قرخلو، ۱۳۸۲: ۴۲). با وجود جایگاه حیاتی فوق و توانایی‌های جامعه‌ی عشایری، در طول پنج دهه برنامه‌ریزی نظام‌مند در ایران، کمتر برنامه‌ای هماهنگ با وضعیت جمعیتی، توانمندی‌ها و میزان نیازهای این جامعه تدوین و اجرا شده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۲) و بدین ترتیب عشایر همچنان از سطح زندگی نامطلوبی برخوردارند و از فقر و نبود دسترسی کافی به امکانات و خدمات عمومی رنج می‌برند. این روند سبب از دست رفتن یک ظرفیت مهم اقتصادی-اجتماعی کشور گردیده و باعث ایجاد چالش‌های بسیار عمده برای توسعه پایدار شده است.

با توجه به کمبود نیازهای خدماتی، رفاهی، زیربنایی و عدم برخورداری از مبانی اولیه زندگی در مناطق مختلف عشایری و نرخ رشد جمعیت جامعه عشایری کشور و سرمایه‌گذاری‌های کلان کشور در بخش خدمات در نواحی شهری از طرف بخش خصوصی و بخش دولتی، هیچ راهی جز ساماندهی چند سطحی مبتنی بر یک نظام برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای و محلی گونه‌های معیشت کوچندگی را نمی‌توان به منظور سامان‌دهی زندگی این اجتماعات در پی گرفت (بخشنده نصرت، ۱۳۸۰: ۹). تحقق این امر مستلزم شناخت عمیق از وضعیت برخورداری و شناسایی مناطق محروم و کم‌برخوردار جوامع عشایری کشور است. اهمیت این سطح‌بندی آن است که شناخت تنگناها و قابلیت‌ها و سطوح برخورداری جامعه‌ی عشایری می‌تواند برای برنامه‌ریزی جهت حل مشکلات و ارائه خدمات و ساماندهی زندگی آنان متناسب با شرایط امروزی و متعاقباً افزایش سطح تولیدات عشایر و کمک به کاهش وابستگی کشور بسیار مؤثر واقع شود و نهایتاً به عنوان ابزاری مناسب جهت توسعه‌ی پایدار جامعه عشایری و عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای عمل نماید، لذا انجام این پژوهش ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

پیرامون تعیین سطوح برخورداری و توسعه‌یافتگی و تکنیک‌های سطح‌بندی مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته ولی اغلب این سطح‌بندی‌ها درباره‌ی سکونتگاه‌های شهری و روستایی بوده و تاکنون در زمینه‌ی سطح‌بندی برخورداری عشایر کشور تحقیقی صورت نگرفته و پژوهش حاضر از این حیث به عنوان اولین تحقیق به حساب می‌آید. از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در زمینه سطح‌بندی و سنجش توسعه‌یافتگی و عدم توسعه‌یافتگی مناطق می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- جو و ماریا^۱ (۲۰۰۱) در پژوهشی با روش تحلیل عاملی جهت آشکار نمودن نابرابری‌های منطقه‌ای، مناطق کشور پرتغال را در مقاطع زمانی ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵ به لحاظ توسعه رتبه‌بندی نموده‌اند.

- تقوایی و قائدرحمتی (۱۳۸۵) با استفاده از تحلیل عاملی و سایر تکنیک‌های آماری شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور را مورد تحلیل قرار دادند و نتیجه حاصل از پژوهش آنان نشان داد که بین استان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشم‌گیری وجود دارد.

^۱ Joao & Maris.

- ضرابی و شاهینوند (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی در استان‌های ایران»، با استفاده از ۲۵ شاخص اقتصادی از طریق مدل تحلیل عاملی استانهای ایران را به لحاظ توسعه‌یافتگی اقتصادی رتبه‌بندی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اختلاف بسیاری بین استان‌های ایران از نظر درجه‌ی توسعه‌یافتگی اقتصادی وجود دارد که این وضعیت باعث ایجاد یک شکاف اقتصادی در بین استان‌های کشور شده است.

- ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری- منطقه‌ای در ایران» با انتخاب ۳۶ شاخص در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی و بکارگیری تکنیک تحلیل عاملی چگونگی سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران را بر اساس تقسیمات اداری- سیاسی سال ۱۳۸۵ بررسی نمودند. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۳۲ شهرستان توسعه‌یافته، ۷۶ شهرستان نیمه توسعه‌یافته و به بالا، ۱۲۶ شهرستان کم‌تر توسعه‌یافته و به پایین و ۱۰۶ شهرستان کشور به عنوان محروم شناخته شدند.

- ضرابی و تبریزی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران»، با بهره‌گیری از ۳۷ شاخص توسعه و استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به بررسی و تعیین سطوح توسعه در شهرستان‌های استان مازندران پرداختند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان داد که میزان توسعه در سطح شهرستان‌های استان نامتعادل بوده و این عدم تعادل به دلیل تفاوت بارز در توزیع شاخص‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، خدماتی و ... است.

۴-۱- روش تحقیق

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی، تحلیلی و علی و از نوع کاربردی- توسعه‌ای است. محدوده‌ی جغرافیایی این پژوهش استان‌های مختلف ایران و جامعه آماری آن، ۲۹ استان کشور که دارای جمعیت عشایری می‌باشند. در این تحقیق پس از تهیه داده‌های مورد نیاز از سرشماری اقتصادی- اجتماعی سال ۱۳۸۷ عشایر کوچنده و مستندات مرکز آمار و شاخص‌سازی آن‌ها، با بهره‌گیری از فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای به تحلیل فضایی و سطح‌بندی عشایر استان‌های کشور در زیست‌بوم- های ییلاقی و قشلاقی با استفاده از شاخص‌های اقتصادی، خدماتی و اجتماعی- فرهنگی مبادرت گردیده است. جهت انجام عملیات محاسباتی و پاسخگویی به سؤالات تحقیق از نرم‌افزار SPSS و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده و با بهره‌گیری از نرم‌افزار ArcGIS سطوح برخورداری عشایر استان‌ها بر روی نقشه گویاسازی شده است.

۲- دیدگاه‌ها، نظریات و روش‌ها

۲-۱- مبانی نظری

تا اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ ابعاد فضایی در تحلیل مسائل توسعه، کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. اما در این دهه به تدریج با جهت‌گیری رویکردهای مبتنی بر عدالت اجتماعی در مفاهیم توسعه، حذف نابرابری‌های توسعه در ابعاد مختلف و توجه به توسعه‌ی مناطق به عنوان هدف اصلی برنامه‌های توسعه مد نظر قرار گرفت. در ادامه این ضرورت احساس شد که برای نیل به توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، طرح‌ریزی

بعد فضایی توسعه باید همزمان با برنامه‌ریزی بخشی مد نظر قرار گیرد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۶۷). در واقع می‌توان گفت توسعه جدید؛ توسعه‌ای است که به حقوق و منزلت انسان و مکان زندگی او توجه می‌کند و هدف نهایی آن رسانیدن انسان به مرحله‌ای است که وی از زندگی خود اظهار رضایت کند (مسعود و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴). برای تعادل بخشی به توسعه، متخصصان و صاحب‌نظران امر برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای با آرایه دیدگاه‌ها و تئوری‌های خاص، هر کدام از نابرابری‌های ناحیه‌ای و محلی را مطابق با موقعیت مکان و زمان خود مورد بررسی قرار داده‌اند.

از پیشگامان توسعه‌ی ناحیه‌ای افرادی چون والتر ایزارد، گونال میردال، فرانسوا پرو، هیرشمن، جان فریدمن و غیره را می‌توان نام برد. اقتصاددانان «نئوکلاسیک» رشد و توسعه‌ی ناحیه‌ای را مبتنی بر توجیه شرایط بازار آزاد می‌دانند (پاپلی یزدی و رجبی‌سنجرودی، ۱۳۸۲: ۲۰۰)، که جریان آزاد منابع بین نواحی در یک سرزمین یا کشور در بلندمدت نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود می‌آورد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). نئوکینزها یا طرفداران نظریه پایه اقتصادی، صادرات را به عنوان مهم‌ترین پایه رشد در نظر دارند (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۰۲) و فعالیت‌های منطقه را به دو بخش پایه (صادراتی) و غیرپایه تقسیم می‌کنند. موتور رشد و نیروی محرکه اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌دانند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). گونال میردال علل نابرابری‌های ناحیه‌ای را ناشی از عوامل خارجی می‌داند که به دلیل انگیزه سودجویی شکل گرفته است و برتری اولیه و زمینه‌های تاریخی نواحی آن را شدت می‌دهد (گیلبرت و کاکلر، ۱۳۷۵: ۶۴). فرانسوا پرو^۱ نحوه نگرش به توسعه را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله اول با سرمایه‌گذاری کلان صنعتی در نواحی بزرگ، واگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود و در مرحله دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی، همگرایی و برابری ایجاد می‌شود (wheeler, 1986).

امروزه برداشت سیستمی از توسعه وجود دارد که بر اساس آن برنامه‌های توسعه تکنولوژی نمی‌تواند با تکیه بر الگوی سایر کشورها باشد بلکه با توجه به واقعیت‌های اقلیمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اکولوژیک هر نقطه از گیتی، تکنولوژی مناسب با همان شرایط را باید طراحی نمود (خاتون آبادی، ۱۳۸۴: ۸۷). این نوع توسعه که بوم‌محور^۲ و توسعه مردم‌گرا^۳ نامیده می‌شود بر معیارهایی چون قدرت و مشارکت مردم، اخلاق، مدیریت و ظرفیت‌های فنی، محلی و نهادهای مشارکتی و سازمان‌های محلی و ثبات اجتماعی استوار است، در تلاش تحقق دمکراتیزه کردن جوامع و پایداری آن است (صیدایی، ۱۳۸۷، ۱۹-۲۱). در مورد امکان‌شناسی توسعه و بهبود حیات اجتماعی عشایر ایران نظریاتی مطرح شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریات عزیز کیاوند، ابراهیم حیاتی، سید حسن حسینی‌ابری، عباس بخشنده نصرت، استراتژی‌های گروه مطالعاتی هامون و راهبردهای کنفرانس بین‌المللی DANA اشاره نمود (صیدایی، ۱۳۸۶: ۲۵). کیاوند معتقد است که «مشکل ما شیوه تولید است نه کوچ یا اسکان، این شیوه تولید عشایری است که هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است و جماعت‌های عشایری برای تغییر شیوه تولید تنها دو راه عقلانی در پیش دارند؛ یکی تولید بر پایه کشتزارهای دامی و دیگری تولید بر پایه صنعت (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۷۹). ابراهیم حیاتی برای توسعه‌ی پایدار عشایر کشور اسکان همراه با مشاغل کشاورزی، اسکان با شغل‌های دامداری و دامپروری و اسکان با مشاغل دامپروری و صنعتی را پیشنهاد می‌کند (حیاتی، ۱۳۷۰: ۱۸۲).

^۱. Perroux

^۲. Ecocentric

^۳. Popular Development

حسینی ابری معتقد است که الگوی توسعه برای عشایر کشور بایستی یک الگوی بومی باشد، گرچه استفاده از نظریات و الگوهای توسعه و اطلاع یافتن از آن‌ها مفید است اما هیچ یک از نظریات و مدل‌های توسعه عیناً نمی‌تواند در مناطق عشایری کشور عملی گردد. وی معتقد است مهم‌ترین مسئله برای توسعه‌ی عشایر رسیدگی به وضعیت معیشتی آنان و در کنار آن دسترسی به خدمات مختلف است، به طوری که معیشت پایه و اساس و خدمات در حکم چهار دیوار عمل می‌کند (صیدایی، ۱۳۸۶: ۳۰). از دیدگاه بخشنده نصرت هر نوع ساماندهی و بهبود وضعیت جامعه عشایری کشور مستلزم اجرای برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای و محلی است و در صورت هماهنگی و ارتباط بین این سه نوع برنامه‌ریزی می‌توان به آینده زندگی کوچندگان سر و سامان داد و هم‌چنین اسکان و تغییر شیوه‌ی تولید عشایر را یک ضرورت می‌داند و معتقد است که همراه با تغییر معیشت، باید در شیوه تولید آنان نیز تغییر اساسی به وجود آید (بخشنده نصرت، ۱۳۸۰: ۱۰). در کنفرانس بین‌المللی DANA در کشور سودان اصول پنج‌گانه حقوق و توانمندسازی، اعتماد و احترام، شناخت سیستم‌های مختلف، مدیریت تطبیقی و مدیریت همراه با تشریک مساعی برای توسعه عشایر پیشنهاد گردید. با توجه به نظریات مربوط به توسعه‌ی زندگی عشایر، هر گونه چهارچوب نظری توسعه بایستی در برگیرنده موارد زیر باشد: درک ضرورت تحول در وضعیت کنونی جامعه؛ تجربه‌های بسیار ارزنده عشایر کوچنده در شیوه‌ی دامداری و تأثیر آن در ترسیم افق آینده؛ توانمندی‌های محیطی و نقش آن در توسعه‌ی پایدار مناطق عشایری؛ درآمدزایی و اشتغال و تأثیر آن بر توسعه پایدار جامعه عشایر؛ تخصیص منابع مالی و اعتباری و اهمیت آن در آینده‌ی جامعه عشایری؛ سازمان‌های اجرایی و نقش آن‌ها در ساختار آینده‌ی جامعه؛ گرایش‌ها و تمایلات عشایر کوچنده و اثر آن بر افق آینده جامعه؛ برنامه‌های توسعه‌ی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت دولت و تأثیر آن‌ها بر وضعیت آینده جامعه (صیدایی، ۱۳۸۶: ۳۵).

۲-۲- روش‌ها و تکنیک‌های بررسی

۲-۲-۱- روش تحلیل عاملی^۱

تحلیل عاملی یکی از تکنیک‌های آماری است که از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی تاکنون در جغرافیا مورد توجه زیادی قرار گرفته است. از این روش برای تعیین سطوح مناطق در ابعاد مختلف، طبقه‌بندی شهرها و تجزیه و تحلیل‌های جامعه‌ی شهری و نیز اندازه‌گیری تغییرات فضایی در زمینه‌های بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی بسیار استفاده می‌شود (ضرابی و شاه‌یوندی، ۱۳۸۹: ۲۳). تحلیل عاملی روشی برای شناسایی متغیرها یا عامل‌های اساسی به منظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده می‌باشد. در عین حال نقش مهمی در شناسایی متغیرهای مکنون یا همان عامل‌ها از طریق متغیرهای مشاهده شده دارد (مؤمنی و فعال‌قیومی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). این روش در واقع به مجموعه‌ای از فنون آماری اشاره دارد که هدف مشترک آن‌ها ارائه مجموعه‌ای از متغیر بر حسب تعداد کم‌تری متغیر فرضی (کیم و مولر، ۱۳۸۱، ۱۶) به منظور درک بهتر پدیده‌ها و همبستگی‌های بین آن‌هاست (طالبی و زنگی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). مراحل تحلیل عاملی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: ۱- تهیه ماتریس استاندارد ۲- محاسبه ماتریس ضرایب همبستگی ۳- استخراج عامل‌ها ۴- چرخش عوامل (از روش واریماکس^۲) ۵- نام‌گذاری عامل‌ها ۶- محاسبه نمرات عاملی ۷- رتبه‌بندی شهرستان‌ها (کلاین، ۱۳۸۲، ۷۲).

^۱. Factor Analysis

^۲. Varimax method.

۲-۲-۲- روش تحلیل خوشه‌ای^۱

تحلیل خوشه‌ای یکی از روش‌های پرکاربرد در مطالعات جغرافیای ناحیه‌ای است. در واقع روشی برای سطح‌بندی مناطق، شهرها، روستاها و ... است؛ به طوری که در این سطح‌بندی، مکان‌های واقع در یک سطح شباهت زیادی با یکدیگر داشته، اما تفاوت قابل توجهی با مکان‌های سطوح دیگر دارند (کلانتری، ۱۳۸۹: ۲۲۹). سطح‌بندی مکان‌های همگن در این روش به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. تعیین ضریب همبستگی و اندازه‌گیری فاصله، به ویژه فاصله اقلیدسی از مهم‌ترین روش‌های تغییر مکان‌های همگن می‌باشد. تحلیل خوشه‌ای به دو روش، خوشه‌ای سلسله مراتبی^۲ و خوشه‌ای غیر سلسله مراتبی^۳ صورت می‌گیرد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ۲۳۶). تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی با استفاده از روش تراکمی یا تفکیکی انجام می‌پذیرد (آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲: ۱۷۲). روش خوشه‌ای در واقع تلاش می‌کند تا موارد یا موضوعات را در تعدادی گروه همگن طبقه‌بندی کند (کلانتری، ۱۳۸۹، ۳۵۴).

۳- کاربرد روش‌ها در سطح‌بندی عشایر استان‌های کشور

۳-۱- معرفی شاخص‌ها

برای تحلیل شاخص‌های برخورداری دوره‌ی بیلاق عشایر استان‌های کشور با توجه به امکانات اطلاعاتی و آمارهای موجود و قابل دسترس در مرحله نخست ۵۷ متغیر انتخاب شد و بعد متغیرها به شاخص آماری تبدیل گردید و در نهایت با ترکیب شاخص‌های مختلف، ۲۵ شاخص آماری برای بررسی شاخص‌های برخورداری دوره‌ی بیلاقی استان‌های کشور مناسب تشخیص داده شد. برای دوره‌ی قشلاق در مرحله نخست ۷۵ متغیر انتخاب شد و بعد از تبدیل کردن متغیرها به شاخص آماری و ترکیب شاخص‌های مختلف، ۲۵ شاخص آماری برای بررسی سطح برخورداری دوره‌ی قشلاقی استان‌های کشور مناسب تشخیص داده شد. شاخص‌های دوره‌ی بیلاقی و قشلاقی در جدول شماره‌ی (۱) ارائه شده است.

جدول شماره‌ی (۱): شاخص‌های مورد مطالعه دوره‌ی بیلاقی و قشلاقی عشایر کشور

شاخص‌های دوره قشلاقی	شاخص‌های دوره بیلاقی
۱- درصد خانوار عشایری، ۲- درصد جمعیت عشایری،	۱- درصد خانوار عشایری، ۲- درصد جمعیت عشایری،
۳- درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر، ۴- درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر مرد، ۵- درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر زن، ۶- درصد جمعیت شاغل عشایر در قشلاق، ۷- نسبت خانوارهای فقط دارای ساختمان معمولی، ۸- نسبت خانوارهای استفاده کننده از وسایل نقلیه موتوری، ۹- نسبت خانوارهای استفاده کننده از رادیو و رادیو ضبط و تلویزیون، ۱۰- نسبت خانوارهای استفاده کننده از چراغ خوراک پزی، اجاق گاز، تنور پخت نان گازی و چراغ توری نفتی یا گازی در قشلاق، ۱۱-	۳- درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر، ۴- درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر مرد، ۵- درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر زن، ۶- درصد جمعیت شاغل عشایر در بیلاق، ۷- نسبت خانوارهای فقط دارای ساختمان معمولی، ۸- نسبت خانوارهای دارای ساختمان معمولی و عشایری، ۹- نسبت خانوارهای استفاده کننده از وسایل نقلیه موتوری، ۱۰- نسبت خانوارهای استفاده کننده از رادیو و رادیو ضبط و تلویزیون، ۱۱- نسبت خانوارهای استفاده کننده از چراغ

^۱. Cluster Analysis

^۲. Hierarchical Cluster.

^۳. Nonhierarchical Cluster.

شاخص‌های دوره قشلاقی	شاخص‌های دوره بیلاقی
نسبت خانوارهای استفاده کننده از یخچال و کولر در قشلاق، ۱۲- نسبت خانوارهای استفاده کننده از تلفن ثابت، موبایل و رایانه در قشلاق، ۱۳- درصد خانوارهای تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، پلاس، حصیر، خورجین و توبره در قشلاق، ۱۴- نسبت تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، پلاس، حصیر، خورجین و توبره به کل خانوارهای تولید کننده بر حسب مترمربع، ۱۵- میزان فروش قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، پلاس، حصیر، خورجین و توبره به کل تولید بر حسب مترمربع، ۱۶- نسبت تولید چوقا، برک و کلاه، دستکش، گیوه، و پاپوش و جوراب به کل خانوارهای تولید کننده بر حسب عدد و جفت، ۱۷- میزان فروش چوقا، برک و کلاه، دستکش، گیوه، و پاپوش و جوراب بر حسب عدد و جفت، ۱۸- تعداد دام (گوسفند، بره و بز، بزغاله) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در قشلاق، ۱۹- تعداد دام (گاو، گوساله و گاو میش و بچه گاومیش) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در قشلاق، ۲۰- تعداد دام (اسب، کره اسب و شتر و بچه شتر) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در قشلاق، ۲۱- میزان متوسط شیر تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم، ۲۲- میزان متوسط پشم تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم، ۲۳- میزان متوسط اراضی زمینهای آبی به خانوارهای عشایری بر حسب هکتار، ۲۴- درصد مساحت اراضی زیرکشت محصولات سالانه آبی به کل اراضی آبی بر حسب هکتار، ۲۵- درصد مساحت اراضی باغ و قلمستان آبی به کل اراضی آبی بر حسب هکتار.	خوراک پزی، اجاق گاز، تنور پخت نان گازی و چراغ توری نفتی یا گازی در بیلاقی، ۱۲- نسبت خانوارهای استفاده کننده از تلفن ثابت و موبایل در بیلاقی، ۱۳- درصد خانوارهای تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، پلاس، حصیر، خورجین و توبره در بیلاقی، ۱۴- نسبت تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، پلاس، حصیر، خورجین و توبره به کل خانوارهای تولید کننده بر حسب مترمربع، ۱۵- میزان فروش قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی، جاجیم، پلاس، حصیر، خورجین و توبره به کل تولید بر حسب مترمربع، ۱۶- نسبت تولید چوقا، برک و کلاه، دستکش، گیوه، و پاپوش و جوراب به کل خانوارهای تولید کننده بر حسب عدد و جفت، ۱۷- میزان فروش چوقا، برک و کلاه، دستکش، گیوه، و پاپوش و جوراب بر حسب عدد و جفت، ۱۸- تعداد دام (گوسفند، بره و بز، بزغاله) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در بیلاقی، ۱۹- تعداد دام (گاو، گوساله و گاو میش و بچه گاومیش) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در بیلاقی، ۲۰- تعداد دام (اسب، کره اسب و شتر و بچه شتر) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در بیلاقی، ۲۱- میزان متوسط شیر تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم، ۲۲- میزان متوسط پشم تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم، ۲۳- میزان متوسط اراضی زمینهای آبی به خانوارهای عشایری بر حسب هکتار، ۲۴- درصد مساحت اراضی زیرکشت محصولات سالانه آبی به کل اراضی آبی بر حسب هکتار، ۲۵- درصد مساحت اراضی باغ و قلمستان آبی به کل اراضی آبی بر حسب هکتار.

۲-۳- کاربرد روش تحلیل عاملی در تقلیل و تحلیل شاخص‌های مورد مطالعه

۱-۲-۳- کاربرد روش تحلیل عاملی در تقلیل و تحلیل شاخص‌های دوره بیلاقی

بعد از تبدیل ۵۷ متغیر انتخابی به شاخص‌های آماری، نهایتاً ۲۵ شاخص آماری در دوره بیلاقی عشایر استان‌های کشور برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شد و اقدام به اجرای تکنیک تحلیل عاملی از طریق نرم‌افزار SPSS گردید. مراحل تحلیل عاملی برای شاخص‌ها به تفکیک ۲۷ استان که دارای عشایر بیلاقی می‌باشند، به کار گرفته شد. از شروط لازم برای اجرای تکنیک تحلیل عاملی آزمون^۱ KMO و بارتلت

^۱. Kaiser- Meyer- Olkin Measure of Sampling Adequacy.

می‌باشد، چنانچه مقدار این آماره بیش از ۰/۷۰ باشد، همبستگی‌های موجود به طور کلی برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب ولی دقت زیادی را می‌طلبند و مقادیر کم‌تر از ۰/۵۰ بدان معناست که تحلیل برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نیست (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۶). در این پژوهش همان‌طور که از جدول شماره (۲) پیداست مقدار KMO برابر با ۰/۶۶ می‌باشد و بنابراین داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب می‌باشند. جدول شماره (۲) آزمون KMO و تست بارتلت و مناسب بودن و سطح معنی‌داری شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲): تست کای دو و بارتلت شاخص‌های دوره‌ی بیلابی در استان‌های کشور

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.667
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	212.618
	Df	78
	Sig.	.000

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲-۱-۲-۱- تهیه‌ی ماتریس داده‌ها: ماتریس داده‌ها عبارت است از ماتریسی که ستون‌های آن شامل ۲۵ شاخص برخورداری در دوره بیلابی و سطرهای آن شامل ۲۷ استان کشور است.

۲-۱-۲-۲- محاسبه‌ی ماتریس ضرایب همبستگی: با داشتن ۲۵ شاخص برخورداری، ماتریس همبستگی ۲۵×۲۵ خواهد بود که مقادیر قطر آن همگی یک و اعداد زیر قطر آن تکرار اعداد بالای قطر است.

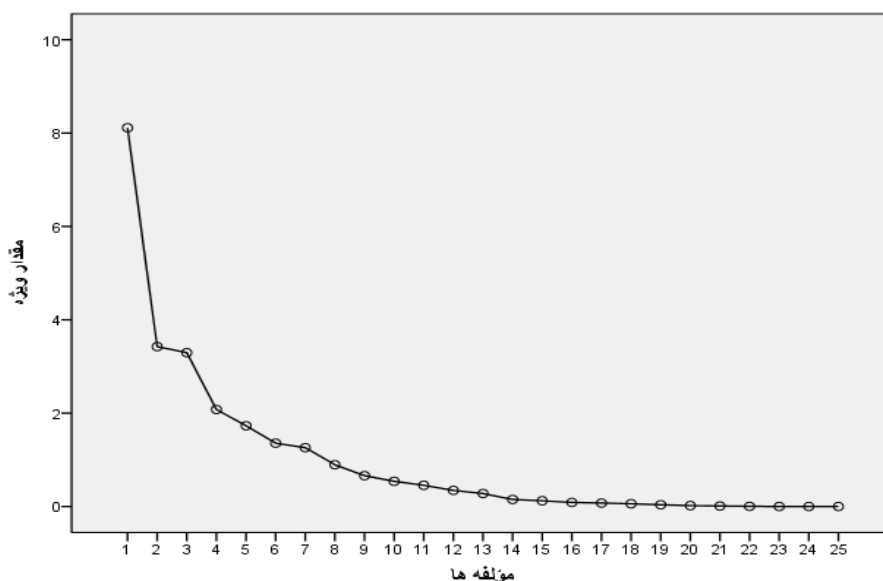
۲-۱-۲-۳- استخراج عامل‌ها: نتیجه‌ی به کارگیری تحلیل عاملی تقلیل ۲۵ شاخص پژوهش به ۴ عامل نهایی بوده است که حدود ۶۷/۶۵ درصد واریانس را توضیح می‌دهد.

جدول شماره (۳) نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۲۵ شاخص انتخابی

Total Variance Explained						
Component	Initial Eigenvalues			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	8.113	32.452	32.452	5.907	23.630	23.630
2	3.425	13.699	46.151	4.995	19.980	43.610
3	3.296	13.182	59.333	3.466	13.863	57.473
4	2.079	8.316	67.650	2.544	10.177	67.650

Extraction Method: Principal Component Analysis.

همان‌طور که از جدول شماره (۳) استنباط می‌شود، عامل اول ۳۲/۴۵ درصد، عامل دوم ۱۳/۶۹ درصد و عامل سوم ۱۳/۱۸ درصد کل واریانس را محاسبه و تفسیر نموده‌اند و حاکی از تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به ویژه عامل اول بر روی شاخص‌های پژوهش است. نمایش مقدار ویژه این سه عامل اصلی و تأثیرگذار و دیگر عامل‌های باقیمانده را در شکل شماره (۱) می‌توان مشاهده نمود.



شکل شماره ۱: نمودار صخره‌ای عوامل

۳-۲-۱-۴- چرخش عوامل: بعد از تعیین تعداد عامل‌ها، به منظور تفسیر آسان عامل‌ها باید عامل‌های به دست آمده مرحله مقدماتی را دوران داد، بدین منظور از مناسب‌ترین روش یعنی روش واریماکس بهره گرفته شده است.

۳-۲-۱-۵- نام‌گذاری عامل‌ها: با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها، شاخص‌های بارگذاری شده در عامل‌ها را می‌توان به شرح زیر نام‌گذاری و تحلیل نمود، که مقادیر همبستگی هر یک از شاخص‌ها در عامل‌های مربوطه در جدول شماره ۴ آورده شده است.

الف) عامل اول: مقدار ویژه این عامل ۸/۱۱ است که به تنهایی ۳۲/۴۵ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. با توجه به جدول شماره ۴، تعداد ۱۰ شاخص در عامل اول بارگذاری شده است، در بین شاخص‌های ذکر شده ۶ شاخص مربوط به خدمات و مسکن بوده و ۳ شاخص نیز مربوط به باسوادی می‌باشد که همبستگی خوبی را در عامل اول نشان می‌دهند و می‌توان این عامل را «عامل آموزش و خدمات» نام نهاد.

ب) عامل دوم: در این عامل مقدار ویژه برابر با ۳/۴۲ است که ۱۳/۶۹ درصد از واریانس را توضیح داده و محاسبه می‌کند. در این عامل ۹ شاخص بارگذاری شده که ۷ شاخص آن مربوط به هنرهای دستی عشایر است که دارای همبستگی بالایی را نشان می‌دهد، طبق شاخص‌های بارگذاری شده‌ی عامل دوم در جدول شماره ۴ می‌توان این عامل را «عامل صنایع دستی عشایر» نام‌گذاری نمود.

ج) عامل سوم: مقدار ویژه‌ی این عامل ۳/۲۹ بوده که ۱۳/۱۸ درصد از واریانس را توضیح می‌دهد و در این عامل سه شاخص نسبتاً همگن بارگذاری شده است که می‌توان آن را «عامل کشاورزی» نام نهاد.

د) عامل چهارم: این عامل با مقدار ویژه ۲/۰۷ تنها ۸/۳۱ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند و طبق شاخص‌های بارگذاری شده، این عامل را می‌توان تحت عنوان «عامل دامداری» نام‌گذاری کرد.

جدول شماره ی (۴): بارگذاری عامل های استخراجی (Rotated Component Matrix(a))

ردیف	شاخص	مؤلفه ها			
		عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
۱	درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر	۰/۹۶۶			
۲	درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر مرد	۰/۹۳۶			
۳	درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر زن	۰/۹۳۶			
۴	درصد جمعیت شاغل عشایر در بیلاق	۰/۸۲۲			
۵	نسبت خانوارهای فقط دارای ساختمان معمولی	۰/۳۷۶			
۶	نسبت خانوارهای دارای ساختمان معمولی و عشایری	۰/۴۱۷			
۷	نسبت خانوارهای استفاده کننده از وسایل نقلیه موتوری	۰/۵۶۷			
۸	نسبت خانوارهای استفاده کننده از رادیو و رادیو ضبط و تلویزیون	۰/۶۶۰			
۹	نسبت خانوارهای استفاده کننده از چراغ خوراک پزی، اجاق گاز و ...	۰/۷۱۸			
۱۰	نسبت خانوارهای استفاده کننده از تلفن ثابت و موبایل در بیلاق	۰/۷۵۰			
۱۱	درصد خانوار عشایری		-۰/۸۵۷		
۱۲	درصد جمعیت عشایری		-۰/۸۳۸		
۱۳	درصد خانوارهای تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم، ورنی و ...		۰/۸۳۲		
۱۴	نسبت تولید قالی، قالیچه و ... به کل خانوارهای تولید کننده بر حسب مترمربع		-۰/۴۲۶		
۱۵	میزان فروش قالی، قالیچه، گبه، گلیم، ورنی و ... به کل تولید بر حسب مترمربع		-۰/۴۲۶		
۱۶	نسبت تولید چوقا، برک و کلاه به کل خانوارهای تولید کننده بر حسب عدد و جفت		۰/۵۸۴		
۱۷	میزان فروش چوقا، برک و کلاه، جوراب بر حسب عدد و جفت		-۰/۷۸۱		
۱۸	میزان متوسط شیر تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم		۰/۶۲۲		
۱۹	میزان متوسط پشم تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم		۰/۴۹۶		
۲۰	میزان متوسط اراضی زمینهای آبی به خانوارهای عشایری بر حسب هکتار		۰/۵۲۵		
۲۱	درصد مساحت اراضی زیرکشت محصولات سالانه آبی به کل اراضی آبی بر حسب هکتار		۰/۹۳۱		
۲۲	درصد مساحت اراضی باغ و قلمستان آبی به کل اراضی آبی بر حسب هکتار		-۰/۹۳۱		
۲۳	تعداد دام (گوسفند، بره و بز، بزغاله) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در بیلاق			۰/۶۱۲	
۲۴	تعداد دام (گاو، گوساله و گاو میش و بچه گاو میش) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در بیلاق			۰/۴۸۴	
۲۵	تعداد دام (اسب، کره اسب و شتر و بچه شتر) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در بیلاق			۰/۶۸۵	

(نگارندگان: ۱۳۹۰)

۳-۲-۱-۶- محاسبه‌ی امتیازات عاملی و رتبه‌بندی شهرستان‌ها:

بعد از انجام مراحل ذکر شده، با محاسبه‌ی امتیازات عاملی برای هر یک از استان‌ها و مجموع امتیازات آن، به محاسبه‌ی شاخص ترکیبی و سپس رتبه‌بندی استان‌ها مبادرت ورزید. با توجه به جدول شماره (۵) استان گلستان با ۱/۳۳ امتیاز به عنوان برخوردارترین استان و استان خوزستان با امتیاز ۰/۷۲- به عنوان محروم‌ترین استان عشایری کشور در ییلاق شناخته شدند. اختلاف بین اولین و آخرین استان ۲/۰۵ امتیاز است که نشان‌دهنده‌ی اختلاف نسبتاً زیاد و عدم تعادل توزیع امکانات و خدمات بین عشایر استان‌های کشور می‌باشد. عامل چهارم در برخوردارگی استان گلستان و عامل سوم در محرومیت استان خوزستان تأثیر زیادی داشته است. پس از کسب امتیازات نهایی و مشخص شدن رتبه‌ی استان‌ها در شاخص مورد مطالعه، مبادرت به سطح‌بندی استان‌ها بر اساس امتیازات عاملی شده است. جهت سطح‌بندی استان‌ها از فرمول زیر استفاده گردید:

$$\bar{x}+sd=0.5003$$

$$\bar{x}+1/4 sd =0.1253$$

$$\bar{x}-1/4 sd =-0.1246$$

$$\bar{x}-sd= -0.4996$$

بر این اساس استان‌های دارای عشایر ییلاقی در پنج طبقه بسیار برخوردار، برخوردار، نسبتاً برخوردار، محروم و بسیار محروم قرار گرفتند که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

الف- گروه اول استان‌های بسیار برخوردار: این گروه شامل ۴ استان گلستان، تهران، مازندران و مرکزی است که ۱۴/۸۱ درصد از کل استان‌ها را شامل می‌شود.

ب- گروه دوم استان‌های برخوردار: در این گروه ۶ استان سمنان، زنجان، گیلان، اردبیل، یزد و ایلام قرار دارند که ۲۲/۲۲ درصد کل استان‌ها را شامل می‌شود.

ج- گروه سوم استان‌های نسبتاً برخوردار: شامل ۶ استان خراسان جنوبی، آذربایجان غربی، همدان، خراسان شمالی، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی است که ۲۲/۲۲ درصد کل استان‌ها نیز به این گروه تعلق دارند.

د- گروه چهارم استان‌های محروم: استان‌های قزوین، لرستان، اصفهان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و فارس در این گروه قرار گرفته‌اند که ۲۲/۲۲ درصد استان‌های کشور را شامل می‌شود.

ه- گروه پنجم استان‌های بسیار محروم: در این گروه ۵ استان کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، کرمان و خوزستان قرار گرفته‌اند که شامل ۱۸/۵۱ درصد کل استان‌هاست.

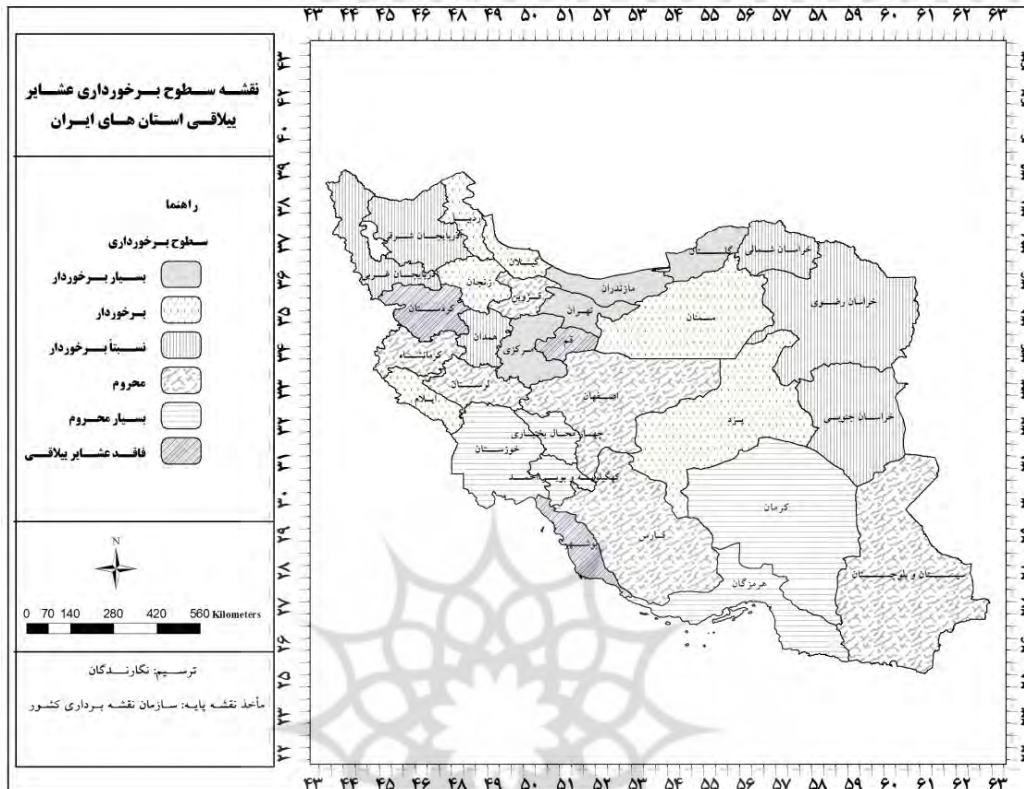
جدول شماره‌ی (۵): امتیازات عاملی اکتسابی هر یک از استان‌های ایران

امتیازات عاملی هر یک از مؤلفه‌ها							استان	ردیف
سطح برخوردارگی	رتبه نهایی	شاخص ترکیبی	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول		
نسبتاً برخوردار	۱۵	-۰/۰۳	-۱/۵۶۲۹۸	۱/۰۶۲۲۶	۰/۲۷۷۶۴	۰/۱۱۹۳۰	آذربایجان شرقی	۱
نسبتاً برخوردار	۱۲	۰/۰۵	-۱/۱۵۰۸۰	۱/۳۶۵۵۸	۰/۰۱۷۴۸	۰/۰۰۶۲۷	آذربایجان غربی	۲
برخوردار	۸	۰/۱۹	-۱/۴۰۲۶۴	۱/۱۶۳۷۷	۰/۴۴۰۰۵	۰/۵۵۵۱۰	اردبیل	۳
محروم	۱۹	-۰/۳۱	۰/۱۱۴۰۹	۰/۵۱۲۴۸	۰/۴۰۳۹۳	-۰/۲۱۳۵۳	اصفهان	۴
برخوردار	۱۰	۰/۱۳	۱/۶۷۵۷۹	-۰/۵۰۱۹۹	-۰/۷۷۰۳۹	۰/۱۲۲۸۴	ایلام	۵

ردیف	استان	امتیازات عاملی هر یک از مؤلفه‌ها				
		عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	شاخص ترکیبی
رتبه نهایی	سطح برخورداری					
۶	تهران	۱/۶۰۰۹۹	۰/۶۷۶۸۳	۰/۳۷۵۳۹	۰/۵۰۱۱۳	۰/۷۹
۷	چهارمحال و بختیاری	۰/۳۹۳۴۶	-۱/۲۲۷۸۶	۰/۱۶۲۲۱	-۰/۷۶۹۹۴	-۰/۶۴
۸	خراسان جنوبی	۰/۲۵۴۱	-۰/۵۵۰۰۴	-۰/۱۶۷۱۳	۰/۹۱۶۷۰	۰/۰۶
۹	خراسان رضوی	۰/۰۳۹۶۳	۰/۴۳۳۵۷	-۰/۶۹۰۳۴	-۰/۰۳۳۹۸	-۰/۰۶
۱۰	خراسان شمالی	۰/۱۸۷۵۰	۰/۲۳۳۸۶	-۰/۳۶۹۸۶	-۰/۱۴۷۱۷	-۰/۰۲
۱۱	خوزستان	-۱/۱۹۱۸۹	۰/۱۶۷۶۹	-۱/۴۷۴۶۲	-۰/۳۹۰۲۰	-۰/۷۲
۱۲	زنجان	۰/۱۱۸۶۵	۱/۳۴۳۳۴	۱/۴۹۱۳۱	-۱/۶۱۱۷۴	۰/۳۴
۱۳	سمنان	۱/۷۱۲۲۵	-۰/۵۵۴۷۹	-۱/۴۲۳۵۸	۰/۶۶۳۶۲	۰/۳۵
۱۴	سیستان و بلوچستان	-۲/۲۶۷۸۹	-۱/۲۲۱۰۴	۱/۰۴۲۹۷	۰/۹۲۲۵۲	-۰/۳۸
۱۵	فارس	۰/۶۷۱۸۰	-۲/۰۴۶۷۱	۰/۰۹۸۲۷	۰/۳۸۰۳۶	-۰/۴۱
۱۶	قزوین	۰/۹۱۱۴۳	۰/۶۷۴۴۲	-۱/۲۹۹۳۵	-۱/۰۰۳۰۷	-۰/۱۸
۱۷	کرمان	-۰/۰۳۷۶۸	-۲/۳۹۷۲۹	۰/۲۲۸۴۳	-۰/۳۵۲۴۰	-۰/۶۴
۱۸	کرمانشاه	-۰/۱۸۳۳۲	-۰/۳۳۶۹۱	-۰/۷۱۷۵۰	-۰/۰۷۶۷۹	-۰/۳۳
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۱۴۴۳۱	-۰/۸۵۹۶۴	-۰/۶۱۲۸۸	-۱/۰۶۳۰۴	-۰/۶۰
۲۰	گلستان	۱/۰۷۶۴۲	۰/۷۰۵۷۶	۱/۰۹۹۴۲	۲/۴۵۰۸۰	۱/۳۳
۲۱	گیلان	-۲/۱۳۴۸۰	۱/۵۹۹۳۰	۱/۲۷۱۱۸	۰/۵۶۲۰۶	۰/۳۲
۲۲	لرستان	-۰/۸۸۵۲۲	-۰/۳۶۳۵۱	۰/۳۴۹۲۲	۰/۱۴۳۹۵	-۰/۱۹
۲۳	مازندران	۱/۶۶۳۲	۱/۰۱۸۵۳	۰/۲۴۷۵۴	۰/۱۱۱۸۴	۰/۷۶
۲۴	مرکزی	۰/۵۶۷۰۳	۰/۰۸۳۸۸	۰/۸۱۲۸۶	۱/۰۶۲۱۲	۰/۶۳
۲۵	هرمزگان	-۰/۶۸۵۵۷	۱/۳۵۱۷۷	-۲/۶۵۴۳۴	-۰/۵۶۷۹۶	-۰/۶۴
۲۶	همدان	-۱/۳۹۱۹۷	۰/۹۳۴۴۶	۰/۱۱۶۲۲	۰/۵۱۵۳۶	۰/۰۴
۲۷	یزد	-۰/۱۳۶۸۵	۰/۸۰۸۴۹	-۱/۱۳۸۱۶	۱/۱۰۱۲۷	۰/۱۶

(نگارندگان، ۱۳۹۰)

پس از سطح‌بندی استان‌های دارای عشایر بیلاقی، سطوح برخورداری استان‌ها با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) بر روی نقشه‌ی شماره (۲) نشان داده شده است.



شکل شماره ۲: نقشه‌ی سطوح برخورداری عشایر بیلاقی استان‌های کشور

نگاهی به توزیع فضایی سطوح برخورداری استان‌های کشور (شکل شماره ۱) نشان می‌دهد که عشایر بیلاقی به لحاظ سطح برخورداری از شاخص‌های انتخابی، در وضعیت نامتعادل و ناهمگونی قرار دارند؛ به طوری که بیش از ۴۰ درصد از استان‌های کشور در سطح محروم و بسیار محروم و ۳۶ درصد در سطح برخوردار و بسیار برخوردار قرار دارند. با توجه به نقشه‌ی بالا می‌توان چنین استنباط نمود که استان‌های بسیار برخوردار و برخوردار اکثراً در عرض‌های بالای جغرافیایی کشور که به لحاظ مراتع و شرایط آب و هوایی وضعیت مناسب‌تری دارند، قرار گرفته‌اند و استان‌های محروم و بسیار محروم بیشتر در نواحی جنوبی و مرکزی کشور می‌باشند که به لحاظ کمبود مرتع و پوشش گیاهی دارای وضعیت نسبتاً نامناسب‌تری هستند؛ اما با وجود اینکه استان‌های چهار محال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد دارای شرایط مساعد محیطی و آب و هوای کوهستانی هستند و نسبت به استان‌های جنوبی کشور مراتع غنی‌تری دارند، ولی جزو استان‌های محروم شناخته شدند.

۳-۲-۲- کاربرد روش تحلیل عاملی در تقلیل و تحلیل شاخص‌های دوره‌ی قشلاقی

بعد از تبدیل ۷۵ متغیر انتخابی به شاخص‌های آماری، نهایتاً ۲۵ شاخص آماری در دوره‌ی قشلاقی عشایر استان‌های کشور برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شد و اقدام به اجرای تکنیک تحلیل عاملی از

طریق نرم‌افزار SPSS گردید. مراحل تحلیل عاملی برای شاخص‌ها به تفکیک ۲۹ استان که دارای عشایر قشلاقی می‌باشند، به کار گرفته شد. در این قسمت همان‌طور که از جدول شماره ۶) پیداست مقدار KMO برابر با ۰/۷۵۱ می‌باشد و بنابراین داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند. جدول شماره ۶) آزمون KMO و تست بارتلت و مناسب بودن و سطح معنی‌داری شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶): تست کای دو و بارتلت شاخص‌های دوره قشلاقی در استان‌های کشور

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.751
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	318.560
	df	55
	Sig.	.000

۳-۲-۱- تهیه ماتریس داده‌ها: ماتریس داده‌ها عبارت است از ماتریسی که ستون‌های آن شامل ۲۵ شاخص برخورداری در دوره قشلاقی و سطرها آن شامل ۲۹ استان کشور است.

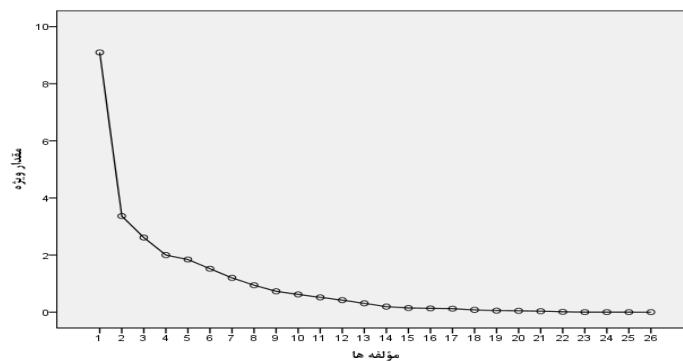
۳-۲-۲- محاسبه ماتریس ضرایب همبستگی: با داشتن ۲۵ شاخص برخورداری، ماتریس همبستگی ۲۵×۲۵ خواهد بود که مقادیر قطر آن همگی یک و اعداد زیر قطر آن تکرار اعداد بالای قطر است.

۳-۲-۳- استخراج عامل‌ها: نتیجه‌ی به کارگیری تحلیل عاملی تقلیل ۲۵ شاخص پژوهش به ۴ عامل نهایی بوده است که حدود ۶۵/۶۷ درصد واریانس را توضیح می‌دهد.

جدول شماره ۷) نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۲۶ شاخص انتخابی

Total Variance Explained						
Component	Initial Eigenvalues			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	9.096	34.984	34.984	5.598	21.529	21.529
2	3.366	12.947	47.932	4.767	18.336	39.865
3	2.612	10.048	57.980	3.656	14.063	53.928
4	1.999	7.690	65.670	3.053	11.742	65.670

مطابق جدول شماره ۷) عامل اول ۳۴/۹۸ درصد، عامل دوم ۱۲/۹۴ درصد و عامل سوم ۱۰/۰۴ درصد کل واریانس را محاسبه و تفسیر نموده‌اند که نشان دهنده‌ی تأثیرگذاری بالای این سه عامل به ویژه عامل اول بر روی شاخص‌های پژوهش است. در شکل شماره ۳) مقدار ویژه این سه عامل اصلی و تأثیرگذار و دیگر عامل‌های باقیمانده نمایش داده شده است.



شکل شماره ۳: نمودار صخره‌های عوامل

۳-۲-۴- چرخش عوامل: در این مرحله جهت چرخش عامل‌ها از روش واریماکس استفاده گردیده است.

۳-۲-۵- نام‌گذاری عامل‌ها: با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها، شاخص‌های بارگذاری شده در عامل‌ها را می‌توان به شرح زیر نام‌گذاری و تحلیل نمود که مقادیر همبستگی هر یک از شاخص‌ها در عامل‌های مربوطه در جدول شماره ۸ آورده شده است.

الف) عامل اول: مقدار ویژه‌ی این عامل ۹/۰۹ است که به تنهایی ۳۴/۹۸ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. با توجه به جدول شماره ۸، تعداد ۷ شاخص در عامل اول بارگذاری شده است، در بین شاخص‌های ذکر شده ۵ شاخص مربوط به امکانات و مسکن بوده و ۱ شاخص نیز مربوط به درصد جمعیت عشایر است که همبستگی خوبی را در عامل اول نشان می‌دهند و می‌توان این عامل را «عامل امکانات و خدمات» نام نهاد.

ب) عامل دوم: در این عامل مقدار ویژه برابر با ۳/۳۶ است که ۱۲/۹۴ درصد از واریانس را توضیح داده و محاسبه می‌کند. در این عامل ۷ شاخص بارگذاری شده که ۵ شاخص آن مربوط به جمعیت و سواد است که همبستگی بالایی را نشان می‌دهد، طبق شاخص‌های بارگذاری شده‌ی عامل دوم در جدول شماره ۸ می‌توان این عامل را «آموزش و نیروی انسانی» نام‌گذاری نمود.

ج) عامل سوم: مقدار ویژه‌ی این عامل ۲/۶۱ بوده که ۱۰/۰۴ درصد از واریانس را توضیح می‌دهد و در این عامل ۶ شاخص نسبتاً همگن بارگذاری شده است که می‌توان آن را «عامل کشاورزی و دامداری» نام‌گذاری نمود.

د) عامل چهارم: این عامل با مقدار ویژه‌ی ۱/۹۹ تنها ۷/۶۹ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند و طبق شاخص‌های بارگذاری شده، این عامل را می‌توان تحت عنوان «صنایع دستی عشایر» نام‌گذاری کرد.

جدول شماره (۸): بارگذاری عامل‌های استخراجی (Rotated Component Matrix(a))

ردیف	شاخص	مؤلفه‌ها			
		عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
۱	نسبت خانوارهای فقط دارای ساختمان معمولی	۰/۸۴۹			
۲	نسبت خانوارهای استفاده کننده از رادیو و رادیو ضبط و تلویزیون	۰/۸۷۶			
۳	نسبت خانوارهای استفاده کننده از یخچال و کولر	۰/۷۰۱			

۴	نسبت خانوارهای استفاده کننده از تلفن ثابت، موبایل و رایانه	۰/۶۴۱	
۵	نسبت خانوارهای استفاده کننده از چراغ خوراک پزی، اجاق ...	۰/۵۸۷	
۶	نسبت خانوارهای استفاده کننده از وسایل نقلیه موتوری	۰/۶۱۳	
۷	درصد خانوار عشایری	۰/۴۶۸	
۸	درصد جمعیت عشایری	۰/۴۳۰	
۹	درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر	۰/۹۷۸	
۱۰	درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر مرد	۰/۹۳۰	
۱۱	درصد جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر زن	۰/۹۳۵	
۱۲	درصد جمعیت شاغل عشایر در قشلاق	۰/۴۸۸	
۱۳	تعداد دام (اسب، کره اسب و شتر و ...) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار	۰/۴۹۱	
۱۴	درصد مساحت اراضی باغ و قلمستان آبی به هکتار	۰/۸۳۸	
۱۵	تعداد دام (گاو، گوساله و گاو میش و ...) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار	۰/۷۱۶	
۱۶	تعداد دام (گوسفند، بره و بز، بزغاله) به ازاء هر ۱۰۰ خانوار عشایری در قشلاق	۰/۵۷۶	
۱۷	میزان متوسط شیر تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم	۰/۷۹۹	
۱۸	میزان متوسط پشم تولیدی در هر خانوار عشایری بر حسب کیلوگرم	۰/۵۱۸	
۱۹	میزان متوسط اراضی زمینهای آبی به خانوارهای عشایری به هکتار	۰/۶۱۶	
۲۰	درصد مساحت اراضی زیرکشت محصولات سالانه آبی به کل ...	۰/۸۳۷	
۲۱	درصد خانوارهای تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم ... در قشلاق	۰/۵۵۶	
۲۲	نسبت تولید قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی و ... بر حسب مترمربع	۰/۵۱۳	
۲۳	میزان فروش قالی، قالیچه، گبه، گلیم، زیلو، ورنی و ... بر حسب مترمربع	۰/۷۱۸	
۲۴	نسبت تولید چوقا ... به خانوارهای تولید کننده بر حسب عدد و جفت	۰/۶۹۸	
۲۵	میزان فروش چوقا، برک، کلاه و ... بر حسب عدد و جفت	۰/۶۸۰	

۳-۲-۲-۶- محاسبه امتیازات عاملی و رتبه‌بندی شهرستان‌ها:

بعد از انجام مراحل ذکر شده، با محاسبه امتیازات عاملی برای هر یک از استان‌ها و مجموع امتیازات آن، به محاسبه شاخص ترکیبی و سپس رتبه‌بندی استان‌ها در قشلاق مبادرت ورزید. با توجه به جدول شماره‌ی (۹) استان زنجان با ۰/۷۷۷ امتیاز به عنوان برخوردارترین استان و خوزستان با امتیاز ۰/۹۲۷- به عنوان محروم‌ترین استان عشایری کشور در قشلاق شناخته شدند. اختلاف بین اولین و آخرین استان ۱/۷۰۴ امتیاز است که نشان‌دهنده‌ی اختلاف نسبتاً زیاد و عدم تعادل توزیع امکانات و خدمات بین عشایر قشلاقی استان‌های کشور می‌باشد. عامل اول در برخورداری استان زنجان و عامل سوم در محرومیت استان خوزستان

تأثیر زیادی داشته است. پس از کسب امتیازات نهایی و مشخص شدن رتبه استان‌ها در شاخص‌های مورد مطالعه، بر اساس امتیازات عاملی با استفاده از فرمول زیر مبادرت به سطح‌بندی استان‌ها گردیده است.

$$\bar{x}+sd= 1.25971$$

$$\bar{x}+\frac{1}{4}sd = 0.88493$$

$$\bar{x}-\frac{1}{4}sd = 0.63507$$

$$\bar{x}-sd= 0.26029$$

بر این اساس استان‌های دارای عشایر قشلاقی در پنج طبقه بسیار برخوردار، برخوردار، نسبتاً برخوردار، محروم و بسیار محروم قرار گرفتند که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

الف- گروه اول استان‌های بسیار برخوردار: این گروه شامل ۷ استان زنجان، مرکزی، آذربایجان شرقی، اردبیل، سمنان، قم و تهران است که ۲۴/۱۳ درصد از کل استان‌ها را شامل می‌شود.

ب- گروه دوم استان‌های برخوردار: در این گروه ۶ استان کرمان، هرمزگان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، مازندران و گلستان قرار دارند که ۲۰/۶۸ درصد کل استان‌ها را شامل می‌شود.

ج- گروه سوم استان‌های نسبتاً برخوردار: شامل ۳ استان خراسان رضوی، همدان و فارس است که ۱۰/۳۴ درصد کل استان‌ها به این گروه تعلق دارند.

د- گروه چهارم استان‌های محروم: در این گروه ۸ استان قزوین، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، ایلام، لرستان و یزد قرار گرفته‌اند که ۲۷/۵۸ درصد استان‌های کشور را شامل می‌شود.

ه- گروه پنجم استان‌های بسیار محروم: در این گروه ۵ استان کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، اصفهان، گیلان و خوزستان قرار گرفته‌اند که شامل ۱۷/۲۴ درصد کل استان‌هاست.

جدول شماره ۹: امتیازات عاملی اکتسابی هر یک از استان‌های ایران

امتیازات عاملی هر یک از مؤلفه‌ها							استان	ردیف
سطح برخوردار	رتبه نهایی	شاخص ترکیبی	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول		
بسیار برخوردار	۳	۰/۶۵۰	۱/۲۸۸۲۷	۰/۲۰۳۲۰	-۰/۰۷۹۴۸	۱/۱۹۱۲۲	آذربایجان شرقی	۱
برخوردار	۱۰	۰/۳۸۳	۰/۹۰۷۰۸	-۰/۳۰۷۹۳	-۰/۲۹۰۳۳	۱/۲۲۳۳۸	آذربایجان غربی	۲
بسیار برخوردار	۴	۰/۵۸۰	۱/۰۸۴۱۸	۰/۰۲۸۴۶	۰/۲۷۲۴۴	۰/۹۳۵۴۹	اردبیل	۳
بسیار محروم	۲۷	-۰/۶۴۲	-۱/۱۸۹۱۸	-۰/۷۵۷۳۴	۰/۰۶۸۱۵	-۰/۶۹۱۹۷	اصفهان	۴
محروم	۲۲	-۰/۴۴۳	-۱/۱۲۱۹۳	۰/۳۲۷۵۳	-۰/۱۶۴۲۹	-۰/۸۱۵۲۴	ایلام	۵
محروم	۲۰	-۰/۳۴۶	-۰/۶۸۲۵۵	۰/۲۵۸۰۲	۰/۴۳۷۲۴	-۱/۳۹۹۶۱	بوشهر	۶
بسیار برخوردار	۷	۰/۵۱۸	-۰/۸۵۲۳۹	-۰/۰۹۷۰۱	۱/۶۷۷۸۵	۱/۳۴۵۴۶	تهران	۷
محروم	۲۱	-۰/۳۸۰	۰/۰۴۴۵۱	-۱/۲۹۸۴۹	-۰/۳۰۴۵۱	۰/۰۳۸۲۰	چهارمحال و بختیاری	۸

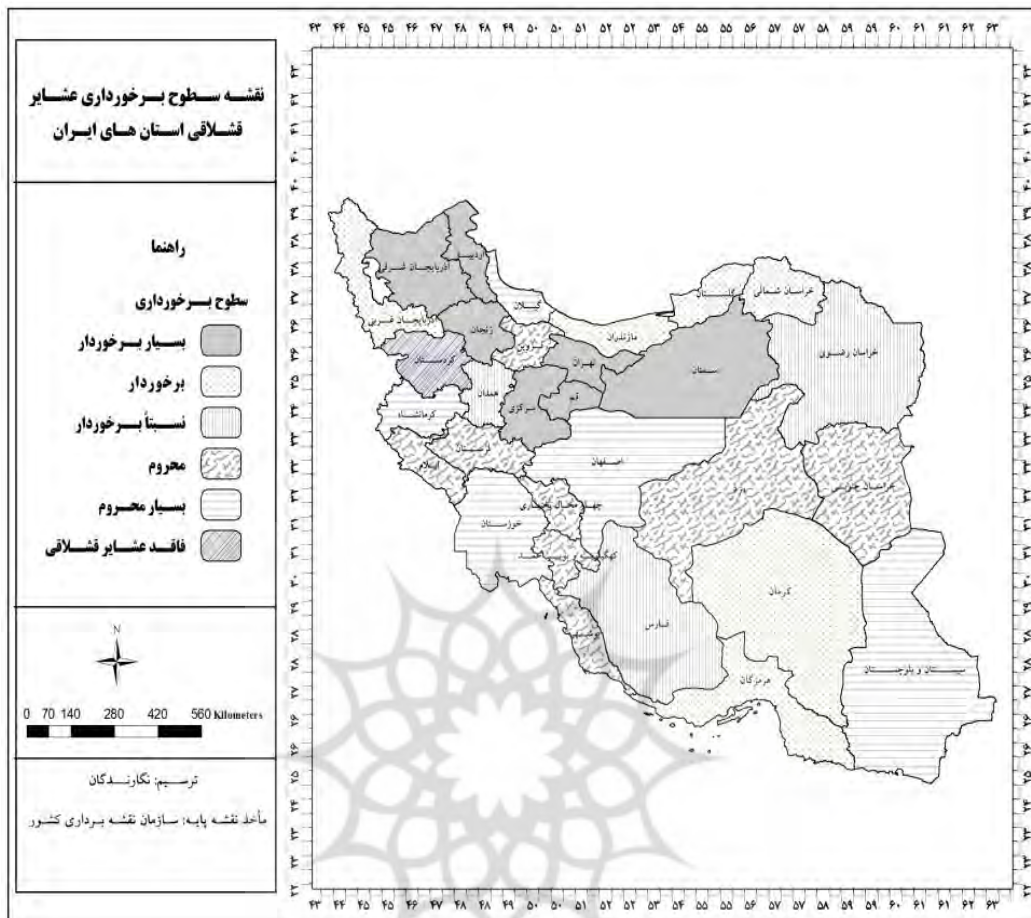
محروم	۱۸	-۰/۲۵۹	-۰/۶۵۴۷۵	۰/۴۱۷۹۰	۰/۴۷۲۶۳	-۱/۲۷۲۳۲	خراسان جنوبی	۹
نسبتاً برخوردار	۱۴	۰/۰۷۰	-۰/۳۷۱۸۹	۰/۸۵۲۱۱	۰/۲۶۱۵۸	-۰/۴۵۹۱۴	خراسان رضوی	۱۰
برخوردار	۱۱	۰/۳۱۵	۰/۲۰۱۱	۱/۱۷۲۳۳	۰/۳۷۴۳۳	-۰/۴۸۵۴۷	خراسان شمالی	۱۱
بسیار محروم	۲۹	-۰/۹۲۷	-۰/۱۲۷۶۱	-۱/۹۸۰۰۲	-۰/۹۰۳۷۳	-۰/۶۹۸۳۲	خوزستان	۱۲
بسیار برخوردار	۱	۰/۷۷۷	۱/۱۴۵۳۶	۰/۲۷۷۷۷	-۰/۴۱۲۲۵	۲/۱۰۰۰۸	زنجان	۱۳
بسیار برخوردار	۵	۰/۵۷۱	-۰/۰۳۱۸۹	۰/۰۶۶۳۴	۱/۷۲۲۹۶	۰/۵۲۹۸۶	سمنان	۱۴
بسیار محروم	۲۶	-۰/۵۸۴	۰/۸۱۴۴۴	۰/۲۳۸۲۷	-۲/۴۸۹۶۹	-۰/۸۹۹۱۶	سیستان و بلوچستان	۱۵
نسبتاً برخوردار	۱۶	-۰/۰۵۴	۰/۹۳۲۲۱	-۰/۵۹۱۷۴	۰/۸۸۲۲۲	-۱/۴۴۰۹۳	فارس	۱۶
محروم	۱۷	-۰/۲۲۵	-۰/۵۵۵۶۱	-۲/۲۵۰۹۹	۰/۲۸۴۸۹	۱/۶۱۸۵۱	قزوین	۱۷
بسیار برخوردار	۶	۰/۵۱۸	-۰/۵۷۳۰۰	۲/۴۵۷۳۹	-۰/۴۶۲۵۶	۰/۶۵۲۲۹	قم	۱۸
برخوردار	۸	۰/۴۶۳	۲/۹۵۰۷۵	۰/۲۸۴۸۹	-۰/۲۸۷۳۰	-۱/۰۹۵۵۰	کرمان	۱۹
بسیار محروم	۲۵	-۰/۵۶۷	-۰/۵۴۶۷۵	-۱/۵۳۶۱۹	۰/۱۵۳۲۴	-۰/۳۳۸۹۵	کرمانشاه	۲۰
محروم	۱۹	-۰/۳۴۲	۰/۳۱۶۸۳	-۱/۳۲۳۱۸	-۰/۰۰۹۲۴	-۰/۳۵۶۱۵	کهگیلویه و بویراحمد	۲۱
محروم	۱۳	۰/۲۰۹	-۰/۸۴۶۹۶	۱/۳۳۱۲۷	۰/۲۵۶۷۸	۰/۰۹۵۳۵	گلستان	۲۲
بسیار محروم	۲۸	-۰/۷۴۱	-۱/۳۴۰۶۳	۰/۴۶۷۷۳	-۳/۰۷۹۷۳	۰/۹۸۸۱۳	گیلان	۲۳
محروم	۲۳	-۰/۴۴۹	-۰/۳۰۷۳۰	-۰/۱۷۸۴۴	-۱/۱۳۹۱۴	-۰/۱۷۲۶۹	لرستان	۲۴
برخوردار	۱۲	۰/۲۷۴	-۰/۸۴۶۷۲	۰/۶۸۰۳۸	۰/۹۲۴۸۹	۰/۳۳۹۳۱	مازندران	۲۵
بسیار برخوردار	۲	۰/۶۵۷	۰/۳۸۷۹۷	۰/۲۵۶۷۷	۰/۷۸۲۵۷	۱/۲۰۴۶۴	مرکزی	۲۶
برخوردار	۹	۰/۳۸۵	۱/۵۱۶۷۳	۰/۵۲۷۳۶	۰/۷۱۶۸۳	-۱/۲۲۰۷۷	هرمزگان	۲۷
نسبتاً برخوردار	۱۵	۰/۰۵۰	-۰/۳۸۳۲۵	۰/۷۳۵۱۰	۰/۰۰۳۱۷	-۰/۱۵۱۰۷	همدان	۲۸
محروم	۲۴	-۰/۴۶۳	-۱/۱۵۷۰۳	-۰/۲۶۱۴۸	۰/۳۳۰۴۶	-۰/۷۶۴۶۴	یزد	۲۹

(نگارندگان، ۱۳۹۰)

در نهایت پس از سطح‌بندی استان‌های کشور و تعیین سطح برخورداری عشایر قشلاقی، جهت ارائه تصویری روشن و نمایش فضایی، وضعیت سطوح برخورداری این استان‌ها، با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) بصورت گرافیکی نشان داده شده است (شکل شماره ۴).

نمایش فضایی سطح‌بندی عشایر قشلاقی کشور نشان می‌دهد که فاصله‌ی بین سطوح برخورداری استان‌ها به لحاظ تعداد، نسبت به بیلاق بیشتر شده است و نزدیک به نیمی از استان‌های کشور در گروه استان‌های محروم و بسیار محروم قرار گرفته‌اند. در زیست بوم قشلاقی نیز همانند زیست بوم بیلاقی اکثر استان‌های

برخوردار و بسیار برخوردار در شمال و غرب کشور قرار دارند که دلیل این امر شاید ناشی از محیط مساعد جغرافیایی این نواحی برای فعالیتهای کشاورزی و رفاه نسبی ناشی از آن باشد.



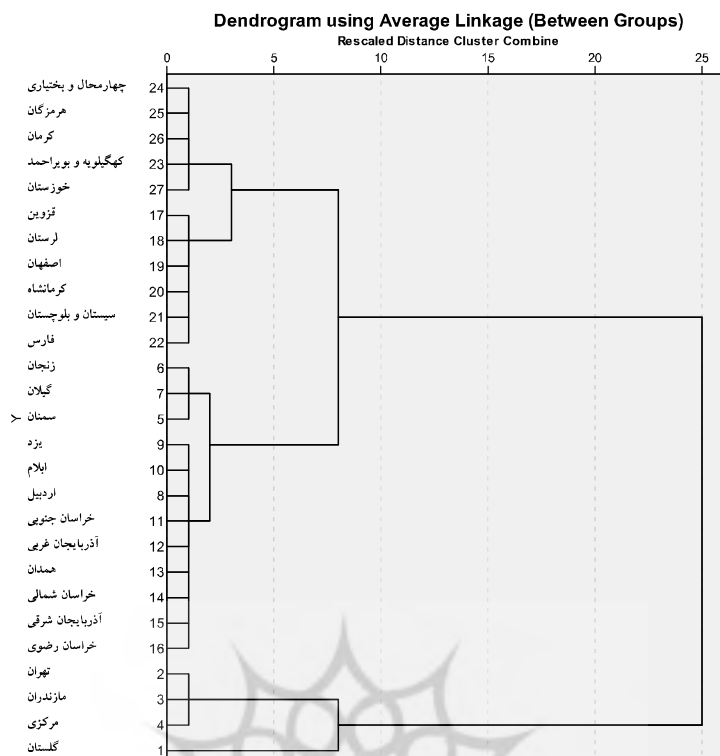
شکل شماره ۴: نقشه‌ی سطوح برخورداری عشایر قشلاقی استان‌های کشور

۳-۳- گروه‌بندی عشایر استان‌های کشور با تکنیک تحلیل خوشه‌ای

پس از انجام مراحل تحلیل عاملی بر اساس امتیازات استخراجی و شاخص ترکیبی، با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه‌ای نسبت به تعیین گروه‌های همگن و سطح‌بندی استان‌های کشور اقدام گردید. در این پژوهش از روش خوشه‌ای سلسله‌مراتبی به جهت کاربرد بیشتر در مطالعات جغرافیایی بهره گرفته شده است. بر این اساس، با توجه به هدف پژوهش و داده‌های آماری از روش پیوند متوسط ۱ که یکی از روش‌های تشکیل خوشه‌های تراکمی در روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی است، استفاده گردیده است. تکنیک تحلیل خوشه‌ای استان‌هایی که بیشترین همانندی را از نظر امتیازهای عاملی دارند در یک خوشه دسته‌بندی می‌نماید، بدین صورت مقادیر امتیازهای هر عامل بیانگر درجه اهمیت هر یک از مناطق می‌باشد.

۳-۳-۱- عشایر دوره‌ی بیلاقی

شکل شماره ۵ (۵) استان‌های دارای دوره‌ی بیلاقی را در ۵ خوشه‌ی همگن به صورت زیر نمایش می‌دهد:



شکل شماره ۵): دندروگرام گروه‌بندی عشایر بیلاقی استان‌های کشور بر اساس امتیازات عاملی

در تحلیل خوشه‌ای صورت گرفته بر اساس روش پیوند متوسط، استان‌های کشور در ۵ سطح قرار می‌گیرند. این سطح بندی نمایانگر این است که مکان‌های واقع در یک سطح شباهت زیادی با همدیگر داشته، اما تفاوت قابل توجهی با مکان‌های سطوح دیگر دارند.

نتیجه‌ی حاصل از کاربرد تکنیک تحلیل خوشه‌ای در گروه‌بندی استان‌ها به شرح زیر می‌باشد:

الف) گروه اول: این گروه شامل استان گلستان است که بیشترین امتیازات آن متعلق به عامل سوم (کشاورزی) و عامل چهارم (دامداری) است.

ب) گروه دوم: این گروه شامل ۳ استان تهران، مازندران و مرکزی است که به لحاظ برخورداری از شاخص‌های همگن در یک گروه قرار گرفته‌اند. استان‌های این گروه در عامل اول (آموزش و خدمات) و عامل چهارم (دامداری) امتیازات بالایی کسب کرده‌اند.

ج) گروه سوم: این گروه دربرگیرنده‌ی استان‌های سمنان، زنجان، گیلان، اردبیل، یزد، ایلام، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی، همدان، خراسان شمالی، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی است. استان‌های واقع در این گروه امتیازات نسبتاً خوبی را در عامل دوم و سوم دارا می‌باشند.

د) گروه چهارم: استان‌های قزوین، لرستان، اصفهان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و فارس را شامل می‌شود، این استان‌ها به لحاظ عامل‌های اول و سوم همگنی خوبی با هم دارند.

ه) گروه پنجم: در این گروه استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، کرمان و خوزستان قرار گرفته‌اند که بیشترین امتیازات آن‌ها متعلق به عامل دوم است.

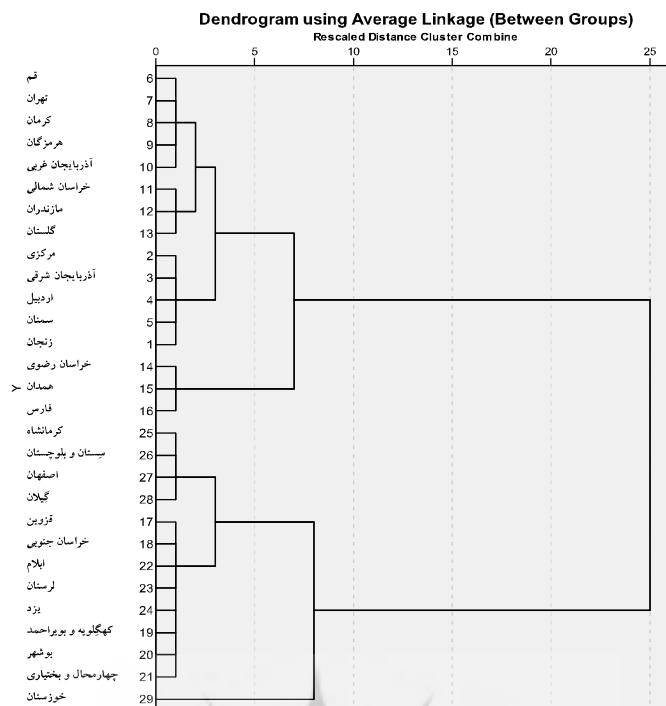
شکل شماره ۳، نقشه‌ی سطوح همگن را در بین استان‌های ییلاقی کشور نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۶: نقشه‌ی سطوح گروه‌های همگن عشایر ییلاقی استان‌های کشور

۳-۲- عشایر دوره قشلاقی
شکل شماره ۷) استان‌های دارای دوره‌ی قشلاقی را در ۵ خوشه‌ی همگن به صورت زیر نمایش می‌دهد:

پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۷ (۷): دندروگرام گروه‌بندی عشایر قشلاقی استان‌های کشور بر اساس امتیازات عملی

نتیجه‌ی حاصل از کاربرد تکنیک تحلیل خوشه‌ای در گروه‌بندی استان‌ها به شرح زیر می‌باشد:

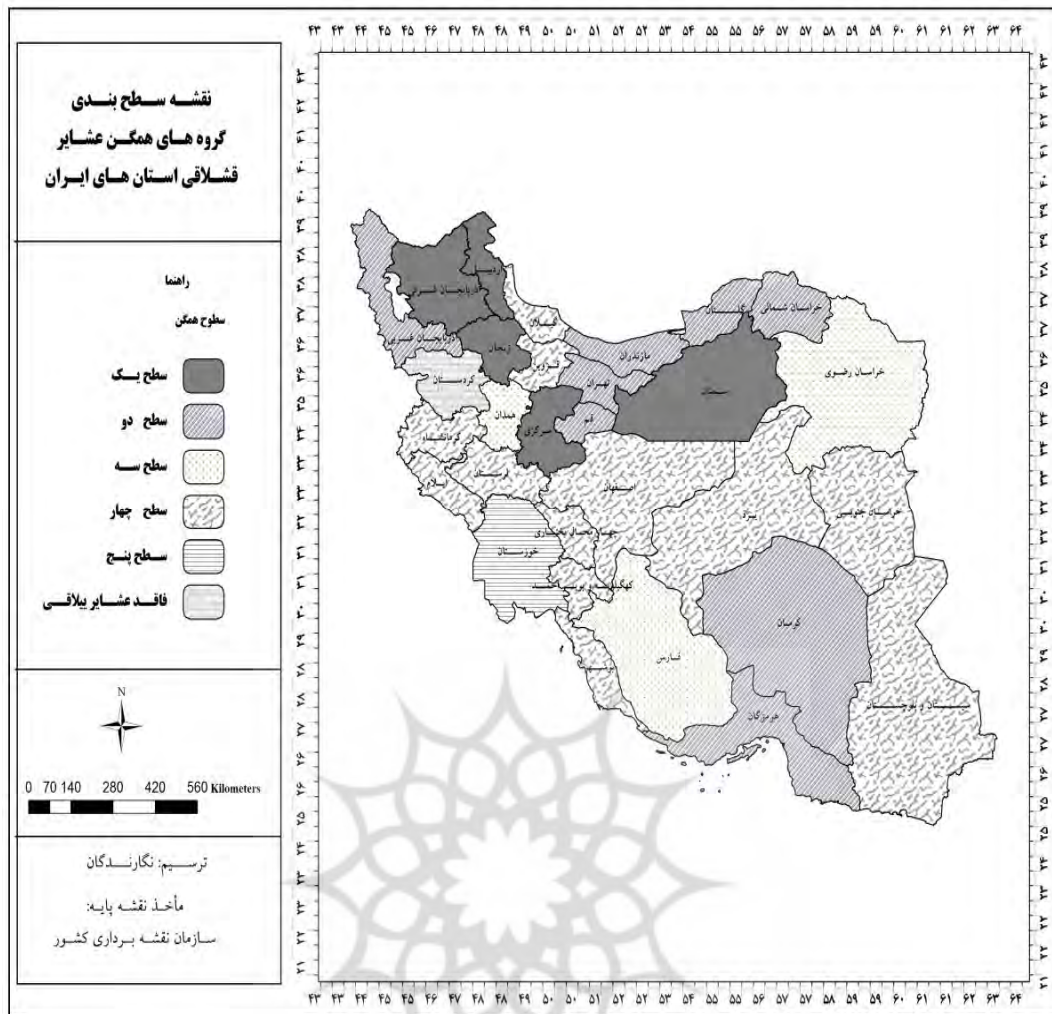
الف) گروه اول: این گروه استان‌های زنجان، مرکزی، آذربایجان شرقی، اردبیل و سمنان را در بر می‌گیرد. بیشترین امتیازات این گروه متعلق به عامل اول (امکانات و خدمات) و عامل چهارم (صنایع دستی) است.

ب) گروه دوم: این گروه شامل استان‌های قم، تهران، کرمان، هرمزگان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، مازندران و گلستان است که به لحاظ برخورداری از شاخص‌های همگن در یک گروه قرار گرفته‌اند. شهرستان‌های این گروه در عامل سوم (کشاورزی و دامداری) و عامل دوم (آموزش و نیروی انسانی) امتیازات بالایی کسب کرده‌اند.

ج) گروه سوم: این گروه دربرگیرنده‌ی استان‌های خراسان رضوی، همدان و فارس است؛ شهرستان‌های واقع در این گروه امتیازات نسبتاً خوبی را در عامل سوم و چهارم دارا می‌باشند.

د) گروه چهارم: استان‌های قزوین، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، ایلام، لرستان، یزد، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، اصفهان و گیلان را شامل می‌شود، این استان‌ها به لحاظ عامل‌های دوم و سوم همگنی خوبی با هم دارند.

ه) گروه پنجم: در این گروه تنها استان خوزستان قرار گرفته که بیشترین امتیازات آن متعلق به عامل چهارم است. شکل شماره ۸ سطوح همگن را در بین استان‌های قشلاقی کشور نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۸: نقشه‌ی سطوح گروه‌های همگن عشایر قشلاقی استان‌های کشور

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش با بهره‌گیری از فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای به سطح‌بندی فضایی عشایر استان‌های ایران در دو زیست‌بوم بیلاق و قشلاق پرداخته شد. نتایج سطح‌بندی دو تکنیک نشان داد که عشایر کشور در این دو زیست‌بوم حالت ناهمگونی دارند و اختلاف نسبتاً زیادی بین عشایر کشور در زمینه برخورداری مشاهده می‌شود. به طوری که بر اساس نتایج تکنیک تحلیل عاملی و سطح‌بندی آن، در زیست‌بوم بیلاق استان‌های گلستان، تهران، مازندران و مرکزی در سطح اول از نظر برخورداری قرار گرفتند و به عنوان استان‌های بسیار برخوردار شناخته شدند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، کرمان و خوزستان با اختلاف نسبتاً فاحشی در سطح آخر و بسیار محروم جای گرفتند. در کل بر اساس نتایج تکنیک تحلیل عاملی در زیست‌بوم بیلاق حدود ۴۰ درصد از استان‌ها (۱۱ استان) در سطح محروم و بسیار محروم و ۳۶ درصد (۱۰ استان) در سطح برخوردار و بسیار برخوردار و حدود ۲۲ درصد (۶ استان) نیز در سطح نسبتاً برخوردار جای گرفتند؛ بر اساس تکنیک تحلیل خوشه‌ای ۳/۷۰ درصد استان‌های

کشور در گروه همگن اول، ۱۱/۱۱ درصد در گروه همگن دوم، ۴۴/۴۴ درصد در گروه همگن سوم، ۲۲/۲۲ درصد در گروه همگن چهارم و ۱۸/۵۱ درصد استان‌ها در گروه همگن پنجم قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان جمعیت عشایر بیلاقی و سطح برخورداری و رتبه استان‌ها رابطه معنی‌داری وجودی دارد؛ با توجه به نتایج آزمون اسپیرمن، مقدار همبستگی اسپیرمن ۰/۵۱۳ و سطح معنی‌داری نیز ۰/۰۰۶ به دست آمد که کم‌تر از ۰/۰۵ است، لذا همبستگی دو متغیر معنی‌دار و بین جمعیت عشایر بیلاقی و سطح برخورداری و رتبه‌ی استان‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره‌ی (۱۰): نتایج همبستگی بین تعداد جمعیت و سطوح برخورداری

محاسبات همبستگی اسپیرمن				
تعداد جمعیت	سطح برخورداری	سطح معناداری	حجم نمونه	
۱	۰/۵۱۳	۰/۰۰۶	۲۷	تعداد جمعیت
۰/۵۱۳	۱	۰/۰۰۶	۲۷	سطح برخورداری

منبع: یافته‌های تحقیق

از نتایج فوق می‌توان چنین استنباط نمود که در زیست‌بوم بیلاقی میزان فعالیت عشایر بیشتر و بهره‌برداری از منابع طبیعی و توان محیطی بهتر است و با توجه به اینکه تولید بیشتر، هزینه‌های مصرفی کمتر و هزینه‌های تعلیف دام، هزینه‌های خدماتی و انرژی به مراتب پائین‌تر است. لذا استان‌هایی که در زیست‌بوم بیلاقی جمعیت عشایری بیشتری دارند، با نیروی کار زیاد و توان تولید بالا وضعیت خود را در اکثر شاخص‌ها بالا برده و رتبه بهتری را نسبت به بقیه‌ی استان‌ها کسب کرده‌اند. لازم به ذکر است که این رابطه در برخی استان‌ها که جمعیت بالایی دارند صدق نمی‌کند که این امر به معیارهای دیگری از جمله بعد خانوار، میزان مراتع در اختیار و تعداد دام و ... بستگی دارد، ولی در مجموع بین میزان جمعیت و سطح برخورداری عشایر بیلاقی استان‌ها رابطه وجود دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در زیست‌بوم قشلاق بر اساس نتایج سطح‌بندی تحلیل عاملی استان‌های زنجان، مرکزی، آذربایجان شرقی، اردبیل، سمنان، قم و تهران در سطح اول و به عنوان استان‌های بسیار برخوردار و استان‌های کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، اصفهان، گیلان و خوزستان در سطح آخر و به عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شدند. به طور کلی حدود ۴۵ درصد استان‌ها (۱۳ استان) در سطح برخوردار و بسیار برخوردار و حدود ۴۵ درصد استان‌ها (۱۳ استان) نیز در سطح محروم و بسیار محروم و ۱۰ درصد استان‌ها (۳ استان) در سطح نسبتاً برخوردار قرار گرفتند. نتایج سطح‌بندی تحلیل خوشه‌ای نیز حدود ۴۵ درصد استان‌ها را در گروه همگن اول، ۲۷ درصد در گروه همگن دوم، ۱۰/۲۷ درصد در گروه همگن سوم، ۴۱/۳۷ درصد در گروه همگن چهارم و ۳/۴۴ درصد استان‌ها را در گروه همگن پنجم قرار داد. بنابراین نتایج دو تکنیک، نابرابری و عدم تعادل فضایی عشایر استان‌های کشور در هر دو زیست‌بوم را کاملاً تأیید می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان جمعیت عشایر قشلاقی و سطح برخورداری و رتبه استان‌ها رابطه معنی‌داری وجودی ندارد؛ با توجه به نتایج آزمون اسپیرمن، ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۲۴۵ و سطح

معنی‌داری نیز ۰/۲۰۰ به دست آمد که بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا همبستگی دو متغیر معنی‌دار نیست و بین جمعیت عشایر ییلاقی و سطح برخورداری و رتبه استان‌ها رابطه وجود ندارد (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره‌ی (۱۱): نتایج همبستگی بین تعداد جمعیت و سطوح برخورداری

محاسبات همبستگی اسپیرمن				
تعداد جمعیت	سطح برخورداری	سطح معناداری	حجم نمونه	
۱	۰/۲۴۵	۰/۲۰۰	۲۹	تعداد جمعیت
۰/۲۴۵	۱	۰/۲۰۰	۲۹	سطح برخورداری

منبع: یافته‌های تحقیق

عدم رابطه بین جمعیت عشایر قشلاقی و سطح برخورداری استان‌ها را می‌توان چنین استنباط نمود که این امر تا حدی ناشی از بالا بودن هزینه تعلیف دام، کاهش تولیدات دامی و لبنی عشایر، افزایش مصارف خانگی در زمینه‌های مختلف، استفاده از سوخت‌های فسیلی و به طور کلی مصرف‌گرائی بیشتر در قشلاق دانست. لذا هر چه جمعیت عشایر قشلاقی بیشتر و تولیدات اصلی کمتر باشد به همان میزان مصرف و هزینه نیز بیشتر می‌شود.

مقایسه سطح برخورداری عشایر در دو زیست‌بوم ییلاق و قشلاق نشان می‌دهد که عشایر برخوردار و نسبتاً برخوردار بیشتر در قسمت شمالی و شمال‌غربی کشور واقع شده‌اند که علت اصلی آن را می‌توان در موقعیت مساعد جغرافیایی این مناطق و نیز نزدیکی به تهران عنوان نمود. لازم به ذکر است که واقع شدن برخی استان‌های کشور در سطح برخوردار و بسیار برخوردار، نشانه‌ی وضعیت ایده‌آل در آن‌ها نبوده و فقط جایگاه استان‌های مذکور را در ارتباط با سایر استان‌ها مشخص می‌نماید. از طرف دیگر در این پژوهش تعیین سطح برخورداری عشایر کشور در دو زیست‌بوم ییلاق و قشلاق بر اساس داده‌های موجود و در دسترس و انتخاب ۲۵ شاخص صورت گرفته است. بدیهی است در صورت وجود آمار و اطلاعات بیشتر از جامعه عشایر و با در نظر گرفتن شاخص‌های دیگر این سطح‌بندی تغییر خواهد یافت.

با توجه به وضعیت برخورداری و رتبه‌بندی عشایر استان‌های کشور بر اساس فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای و نتایج بدست آمده از تحقیق، برای رسیدن به تعادل فضایی و عدالت اجتماعی و اتخاذ رویکرد برنامه‌ریزی اصولی و مناسب، ارائه راهکارهای زمانی و مکانی می‌تواند برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی را جهت رسیدن به این امر مهم یاری رساند. در این راستا راهکارها و پیشنهادهای زیر برای زیست‌بوم‌های ییلاقی و قشلاقی ارائه می‌گردد:

الف) زیست‌بوم ییلاق:

برنامه‌های کوتاه مدت (۱ تا ۲ سال):

با توجه به وضعیت نامناسب استان‌های خوزستان، هرمزگان، کرمانشاه و قزوین در زمینه‌ی کشاورزی عشایری، استان‌های کرمان، چهارمحال و بختیاری و فارس در زمینه‌ی صنایع دستی عشایری، استان‌های سیستان و بلوچستان، اصفهان و لرستان در زمینه‌ی آموزش و خدمات و استان کهگیلویه و بویراحمد در زمینه‌ی دامداری پیشنهاد می‌شود استان‌های یاد شده در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار بگیرند و برای آن‌ها

برنامه‌های کوتاه مدت در نظر گرفته شود تا به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مذکور به سطوح بالاتر ارتقا یابند.

برنامه‌های میان مدت (۳ تا ۷ سال):

نتایج سطح‌بندی تحلیل عاملی نشان می‌دهد که استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در شاخص‌های دامداری، استان همدان در شاخص‌های آموزش و خدمات، استان خراسان جنوبی در زمینه صنایع دستی عشایر و استان‌های خراسان رضوی و خراسان شمالی در زمینه کشاورزی وضعیت نامناسبی دارند و با تأثیرگذاری این شاخص‌ها در سطح نسبتاً برخوردار قرار گرفته‌اند. لذا بایستی با اجرای برنامه‌های میان مدت و اتخاذ برنامه‌ریزی‌های صحیح و مناسب تلاش نمود تا زمینه‌های ارتقاء این استان‌ها در شاخص‌های مذکور به سطوح بالای برخورداری فراهم گردد.

برنامه‌های بلندمدت (۱۰ تا ۲۰ سال):

استان‌های گلستان، تهران، مازندران، مرکزی، سمنان، زنجان، گیلان، اردبیل، یزد و ایلام به جهت کسب امتیازات بالا و داشتن وضعیت مطلوب در سطح برخوردار و بسیار برخوردار واقع شده‌اند. استان یاد شده در این گروه به خصوص از حیث شاخص‌های آموزش و خدمات و دامداری دارای وضعیت خوبی هستند. بهتر است برنامه‌های بلند مدت برای این استان‌ها در نظر گرفته شود و به لحاظ سرمایه‌گذاری، در اولویت‌های آخر قرار گیرند.

ب) زیست‌بوم قشلاق:

برنامه‌های کوتاه مدت (۱ تا ۲ سال):

نامناسب بودن وضعیت استان‌های خوزستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و قزوین در شاخص‌های کشاورزی و دامداری، استان‌های گیلان، سیستان و بلوچستان و لرستان در شاخص‌های آموزش و نیروی انسانی، استان‌های اصفهان، یزد و ایلام در زمینه صنایع دستی عشایر و استان‌های بوشهر و خراسان جنوبی در شاخص‌های امکانات و خدمات لزوم بکارگیری برنامه‌های کوتاه مدت را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود جهت ارتقا این استان‌ها به سطوح بالای برخورداری در شاخص‌های مذکور برنامه‌های کوتاه مدت اعمال شود.

برنامه‌های میان مدت (۳ تا ۷ سال):

نتیجه به‌کارگیری مدل تحلیل عاملی نشان داد که استان‌های خراسان رضوی و فارس در شاخص‌های امکانات و خدمات و استان همدان در شاخص‌های صنایع دستی عشایری وضعیت چندان مناسبی ندارند، شایان ذکر است که استان‌های یاد شده در سایر شاخص‌ها در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارند. لذا می‌توان با ارائه برنامه‌های میان‌مدت زمینه‌های بهبود وضعیت این استان‌ها را در شاخص‌های ضعیف نامبرده فراهم نمود.

برنامه‌های بلندمدت (۱۰ تا ۲۰ سال):

با توجه به اینکه استان‌های زنجان، مرکزی، آذربایجان شرقی، اردبیل، سمنان، قم، تهران، کرمان، هرمزگان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، مازندران و گلستان در اکثر شاخص‌های مورد بررسی، از جمله صنایع دستی عشایری از وضعیت مطلوبی برخوردارند، برای این استان‌ها بهتر است برنامه‌های بلند مدت در نظر گرفته شود و به لحاظ سرمایه‌گذاری در اولویت‌های بعدی قرار گیرند.

با توجه به توزیع جغرافیایی عشایر و تعدد و تنوع توانمندی‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و گرایش‌های مختلف کوچندگان نمی‌توان سیاست واحدی را برای توسعه عشایر کشور ارائه داد، بلکه برنامه توسعه هر منطقه عشایری بایستی با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، توانمندی‌های درونی و محیطی و گرایش کوچندگان و حمایت دستگاه‌های اجرایی آن منطقه صورت گیرد. لذا استراتژی‌های اتخاذ شده جهت برنامه‌ریزی باید با شرایط مختلف استان‌های کشور تطابق داشته باشد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. به این ترتیب با برنامه‌ریزی‌های توسعه محور، کاهش شکاف سطح برخورداری از خدمات و امکانات در بین عشایر قشلاقی و بیلاقی کشور، به صورت سلسله مراتبی و بر مبنای نظم و سلسله مراتب فضایی تحقق خواهد یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱- آسایش، حسین، استعلاجی، علیرضا، ۱۳۸۲، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (روش‌ها، مدل‌ها و فنون)، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- ۲- آهنگری عبدالمجید، سعادت‌مهر، مسعود، ۱۳۸۶، مطالعه‌ی تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، مجله‌ی دانش و توسعه، شماره ۲۱، صص ۱۹۴-۱۵۹.
- ۳- ابراهیم‌زاده، عیسی، اسکندری‌ثانی، محمد، ۱۳۸۹، کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران، فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، صص ۲۸-۷.
- ۴- ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۵- بخشنده نصرت، عباس، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی و شیوه‌های سامان‌دهی کوچندگی، سمنان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
- ۶- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، رجبی‌سناجردی، حسین، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- پوراحمد، احمد و همکاران، ۱۳۸۴، بررسی روند تغییرات توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۶۵)، نامه‌ی پژوهش فرهنگی، شماره ۹، صص ۲۱-۳.
- ۸- تقوایی، مسعود، قائدرحمتی، صفر، ۱۳۸۵، تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی استان‌های کشور، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره‌ی هفتم، صص ۱۳۲-۱۱۷.
- ۹- تودارو، مایکل، ۱۳۷۸، توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۰- جمشیدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، تعیین سطوح توسعه‌ی کشاورزی و نابرابری‌های منطقه‌ای در استان زنجان، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی و توسعه کشاورزی ایران، دوره‌ی ۲-۴۲، شماره‌ی ۱، صص ۷۸-۶۷.
- ۱۱- جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۲- حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میرنجف، ۱۳۸۵، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، یزد، انتشارات علم نوین.
- ۱۳- حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میرنجف، ۱۳۸۳، بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۷۵-۱۳۵۵)، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، شماره‌ی ۴، صص ۱۱۲-۱۰۱.
- ۱۴- حیاتی، ابراهیم، ۱۳۷۰، چشم‌اندازی به فردای زندگی عشایر، مجموعه مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر، تهران، انتشارات سازمان امور عشایر ایران.

- ۱۵- خاتون‌آبادی، سید احمد، ۱۳۸۴، جنبه‌هایی از توسعه‌ی پایدار، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان
- ۱۶- دی، ای، دواس، ۱۳۷۶، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
- ۱۷- زیاری، کرامت‌اله، ۱۳۸۸، مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۸- صباغ کرمانی، مجید، ۱۳۸۰، اقتصاد منطقه‌ای «تئوری و مدل‌ها»، تهران، انتشارات سمت .
- ۱۹- صرافی، مظفر، ۱۳۷۹، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲۰- صیدایی، اسکندر، ۱۳۸۶، توسعه پایدار جامعه عشایری ایران، تهران، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- ۲۱- صیدایی، اسکندر، ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۲۲- ضرابی، اصغر، تبریزی، نازنین، ۱۳۹۰، تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از تحلیل عاملی، فصلنامه‌ی آمایش محیط، سال چهارم، شماره‌ی ۱۲، صص ۶۳-۷۷.
- ۲۳- ضرابی، اصغر، شاهبوندی، احمد، ۱۳۸۹، تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی در استانهای ایران، مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۱، شماره‌ی پیاپی ۳۸، شماره‌ی ۲، صص ۱۷-۳۲.
- ۲۴- طالبی، هوشنگ، زنگی‌آبادی، علی، ۱۳۸۰، تحلیل شاخص‌ها و تعیین عوامل مؤثر در توسعه‌ی انسانی شهرهای بزرگ کشور، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۶۰، مشهد، صص ۱۴۲-۱۲۴.
- ۲۵- قرخلو، مهدی، ۱۳۸۲، مهاجرت و اسکان عشایر، تحلیلی از مهاجرت قشقای‌های ایران به شهرها، تهران، انتشارات نقش بیان با همکاری سازمان امور عشایر ایران.
- ۲۶- کلانتری، خلیل، ۱۳۸۹، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS، تهران، انتشارات فرهنگ صبا.
- ۲۷- کلاین، پل، ۱۳۸۲، راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه‌ی محمدولی علی‌ئی، سید محمد میرسندسی، علی آقاعظیمی، معصومه کریمی بخش، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین
- ۲۸- کیاوند، عزیز، ۱۳۸۰، حکومت، سیاست و عشایر، تهران، انتشارات شورایعالی عشایر ایران.
- ۲۹- کیم، جی ان، مولر، چالز، ۱۳۸۱، مقدمه‌ای بر تحلیل عاملی و شیوه‌ی به کارگیری آن، ترجمه‌ی صادق بختیاری و هوشنگ طالبی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۳۰- گیلبرت، آلن، کاکلر، ژوزف، ۱۳۷۵، شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم)، ترجمه‌ی پرویز کریمی، تهران، انتشارات شهرداری تهران.

۳۱- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور سال ۱۳۸۷، تهران، مرکز آمار ایران.

۳۲- مسعود، محمد و همکاران، ۱۳۹۰، تعیین درجه توسعه‌نیافتگی شهرستان‌های استان اصفهان با تکنیک تاکسونومی عددی، مجله‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره‌ی هشتم، صص ۳۹-۵۴.

۳۳- مهدوی، مسعود و همکاران، ۱۳۸۶، روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال دهم، شماره‌ی ۱، صص ۴۱-۶۳.

۳۴- مؤمنی، منصور، فعال‌قیومی، علی، ۱۳۸۶، تحلیل داده‌های آماری با استفاده از SPSS، تهران، انتشارات کتاب نو.

۳۵- ورمزیاری، حجت، حسینی، محمود، ۱۳۸۸، بررسی میزان مشارکت عشایر بخش دیشموک، در طرح‌های توسعه روستایی، مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره‌ی پیاپی ۳۵، شماره‌ی ۳، صص ۱۰۱-۱۱۸.

36. Joao, Oliveira, S. Maria, Manuela, L.(2001). *A Multivariate Methodology to Uncover Regional Disparities. European Journal of Operational Research, Vol. 145, PP. 121-135.*

37. Wheel, M. (1986), *Economic Geography, John Wiley and Sons Ins, Camuca.*

